

فامه  
مردم  
ارکان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۹  
چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با  
۲۶ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۰ ریال

باطرد  
انحصار طلبی  
وقشری گری

# راه را بسوی گسترش و تعمیق انقلاب بگشائیم

صفحات ۴ و ۵

## مجلس شورای اسلامی در برابر یک تصمیم تاریخی و سرنوشت ساز در باره فعالیت احزاب و گروهها

تصویب طرح قانونی تشکیل و فعالیت جمعیت‌ها، انجمن‌ها، احزاب و نظائر آن در شصت و سومین جلسه شورای عالی قضائی و انتشار آن در روزنامه‌ها، بحق این انتظار را در مردم انقلابی ایران بوجود آورد که زمینه خوبی برای حل یکی از مهمترین مسائل اجتماعی سیاسی ایران فراهم شده است. انتظار مردم و همه

نیروهای انقلابی و مومن به انقلاب آن بود که این طرح، که با در نظر گرفتن همه جوانب اوضاع و احوال جامعه ایران و بویژه ضرورت تأمین آزادی فعالیت سازمانها و احزاب مومن به اهداف انقلاب ضد - امپریالیستی و مردمی و هوادار جمهوری اسلامی تهیه بقیه در صفحه ۴

## چرا روزنامه جمهوری اسلامی به ادعای خود عمل نمیکند؟

صفحه ۷

# سهامیه بندی و توزیع کالاهای اساسی با کوپن، وسیله مؤثر مبارزه با گرانی است

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در آذرماه ۵۹، از سوی بانک مرکزی انتشار یافت. آنچه در این آمار جلب توجه می‌کند، دو چیز است: یکی رشد سریع و بیسابقه گرانی و دیگری ثبات نسبی قیمت کالاهای جیره بندی شده.

نگرشی بر این آمار بدرستی این نظر را تأیید می‌کند که، جیره بندی و توزیع کالاهای اساسی با کوپن، وسیله مؤثری است برای مبارزه با گرانی و حتی کاهش قیمتها.

به ارقام منتشره با دقت بیشتری نظر اندازیم:

آمار منتشره بانک مرکزی حاکی است که در آذرماه امسال، نسبت به ماه مشابه سال قبل، شاخص متوسط قیمت کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ۲۵٫۸ درصد، و بدون در نظر گرفتن گروه مسکن و سوخت، ۲۹٫۹ درصد بالا رفته است. این چنین جهشی در افزایش قیمت کالاها و خدمات مصرفی در میان کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری، بزرگترین رقم، افزایش مخصوص مواد خوراکی است، بطوریکه بیش از ۸۰ درصد از افزایش شاخص کل را ترقی بهای مواد خوراکی تشکیل میدهد.

در عرض یکسال رقم بسیار نگران کننده‌ای است. این جهش گذشته از آنکه بیانگر پائین آمدن قدرت خرید توده مردم بین یک - چهارم تا یک سوم درآمد آنهاست، در عین حال نشانه نامطلوبی از وضع اقتصادی است. در صورتیکه با اتخاذ و اجرای تصمیمات قاطع، از جمله اقدام به ملی کردن بازرگانی خارجی، تمرکز ذخایر کالاسی در دست دولت، توزیع کالا از طریق شبکه دولتی، تعاونی و خرده فروشها و تغییرات لازم در بودجه در جهت ایجاد کار و احیاء تولید اقدامات اساسی بعمل نیاید، افزایش گرانی و تورم خطرات جدی اقتصادی - اجتماعی در بر خواهد داشت.

افزایش بالای ۱۵ درصد بهای کالاها و خدمات هشدار دهنده است، بالای ۴۰ درصد خطرناک است، ۴۵ و ۴۹ درصد انفجاری است.

در میان کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری، بزرگترین رقم، افزایش مخصوص مواد خوراکی است، بطوریکه بیش از ۸۰ درصد از افزایش شاخص کل را ترقی بهای مواد خوراکی تشکیل میدهد.

مثلا در مقایسه با ماه مشابه سال قبل، افزایش بهای برنج حدود ۹۰ درصد، گوشت قرمز ۷۷ درصد، کره پاستوریزه حدود ۴۸ درصد بوده است. ترقی ماهانه بهای برنج ۷٫۴ درصد و بهای حبوبات ۵٫۹ درصد و بهای نمک در آذرماه ۱۰٫۴ درصد گزارش شده است.

افزایش قیمت میوه و سبزیها دیگر جای خود دارد، زیرا بالاترین بهای آنها روزانه صورت می‌گیرد.

بطوریکه ارقام یاد شده نشان میدهد، افزایش مواد خوراکی واقعا وحشتناک و بسیار نگران کننده است. چالب اینکه این افزایش را نمی‌توان نتیجه کمبود مثلا برنج، گوشت قرمز و یا حتی نمک و میوه و سبزی دانست. همه این مواد در بازار و مغازه‌ها یحد و فور و یا لاقبل به میزان کافی موجود است، منتها قیمت آنها بطور سرسام آور بالا رفته، و طبق شاخص‌های بانک مرکزی، تنها طی یکسال، نزدیک به دو برابر شده است!

این وضع چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟ متأسفانه بانک مرکزی فقط بذكر بقیه در صفحه ۴

## در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تصویب برنامه اقتصادی - اجتماعی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در روز دوشنبه ۱۱ اسفند ۵۹، در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیش نویس سند «راستاهای عمده روند اقتصادی - اجتماعی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ و تا سال ۱۹۹۰» به تصویب رسید (درباره رفوس این سند، نامه «مرد» در روزهای اخیر به تفصیل گزارش داد).

کنگره بیست و ششم به شورای وزیران اتحاد شوروی مأموریت داد که، هنگام تدوین برنامه پنجساله یازدهم، پیشنهادهایی را، که در جریان بحث همگانی کنگره درباره سند نامبرده مطرح شده، در نظر گیرد.

کنگره پس از انتخاب ارگانهای رهبری حزب، کار خود را روز سه شنبه، ۱۲ اسفند ماه ۵۹، پایان داد.

بازتاب وسیع پیشنهادهای سازنده لئونید برژنف در باره تعمیق و تندتشنج زدائی در جهان پیشنهاد های سازنده لئونید برژنف در کنگره بیست و ششم درباره تعمیق روند تشنج زدایی کماکان با واکنش وسیع جهانیان روبرو میشود:

گروهی از نمایندگان مجلس عوام بریتانیا، از جمله نمایندگان حزب محافظه کار، در نامه‌ای به روزنامه «تایمز» خواسته‌اند که به پیشنهاد های سازنده لئونید برژنف عکس العمل مثبت نشان داده شود. آنها، بویژه از پیشنهاد لئونید برژنف درباره تشکیل اجلاس فوق العاده شورای امنیت در سطح سران بلند پایه، پشتیبانی کردند.

نایف حواتمه، رهبر جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، از ابتکار لئونید برژنف درباره تشکیل یک کنفرانس بین المللی برای حل مسئله خاور نزدیک، استقبال کرد.

چنگیز آیتماوف، نویسنده

نامدار شوروی و جهان، یکی از نمایندگان کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی است. آیتماوف در گفتگویی با روزنامه نگاران گفت: «من این سعادت و افتخار را یافته‌ام که در چهار کنگره «حزب» بتوان نماینده شرکت یابم و هر بار، بیش از پیش، این اعتقاد در من تحکیم یافته است که این کنگره‌ها، بیش از همه چیز، به حیاتی ترین مسائل بشریت، یعنی صلح جهانی و بهروزی انسانها، می‌پردازند.»

آیتماوف درباره خطری که از سوی امپریالیسم صلح را تهدید میکند، خاطر نشان ساخت: «امپریالیسم امروزه عملا این دستاورد گرانبهای بشریت را مورد حمله و تهدید قرار داده است.»

نویسنده بزرگ شوروی گفت: «حزبی بودن و مردمی بودن راهگشای من بسوی ادبیات ژرف نگراانه و برآستی دمکراتیک است. این راهی است که ادبیات شوروی می‌پیماید.»

## ابراز احساسات در ادیو بختیار درباره تبلیغات ضد توده‌ای «میزان» و «انقلاب اسلامی»

«سرمقاله‌های متعدد روزنامه‌های «میزان» ... و همچنین «انقلاب اسلامی» ... اگر نگوییم همه، نود درصد به بررسی و تحلیل خیااتها و سواستفاده‌های آنان (توده‌ها) اختصاص دارد» (از گفتار سرایا دشنام و افترای «رادویو بختیار» به حزب توده ایران - ۱۲/۱۲/۵۹)

## ریچارد هلمز، رئیس پیشین سازمان جاسوسی «سیا» از دولت موقت پشتیبانی می‌کند!

ریچارد هلمز سفیر اسبق آمریکا در ایران و رئیس پیشین سازمان جاسوسی «سیا»، در مصاحبه‌ای در روزنامه آمریکایی «واشینگتن استار» گفته است که تسخیر لانه جاسوسی «درواقع توطئه افراطیون مذهبی در ایران بود برای سرپوش گذاشتن بر کودتای سیاسی آنها علیه دولت ملی بازرگان».

ریچارد هلمز می‌افزاید: «(امام) خمینی می‌ترسید که بازرگان روابط ایران و آمریکا را حفظ کند و حتی توسعه دهد».

وقتی مردم می‌گویند که لیبرالها

## در ۲ روز گذشته: مواضع دشمن در جبهه میروان درهم کوبیده شد

در ادامه نبرد بین مدافعان انقلاب و نیروهای متجاوز صدامی، طی دو روز گذشته، ضربات سنگینی بر پیکر دشمن وارد آمد. بر اساس اطلاعاتی ۴۲۱ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روزنهم و دهم اسفند ماه ۵۹، رزمندگان نیروی زمینی با هماهنگی دیگر نیروهای مسلح ارتش، از یامداد روز نهم اسفند ماه، مواضع دشمن را در جبهه میروان در خاک عراق زیر آتش شدید و مداوم توپخانه و سلاح‌های سنگین خود قرار دادند، که برابر گزارشهای دیده بانهای خوری ضایعات و تلفات دشمن در منطقه پنجویں حدود پنجاه درصد بوده است. همچنین بر اثر آتش توپخانه نیروهای خودی در یکی از جبهه‌های گیلان قرب، یک تانک و ده سنگر دشمن نابود و عده‌ای از افراد دشمن کشته و مجروح شدند. در این عملیات، نیروی زمینی بیست و هفت تن شهید و شهربانی جمهوری اسلامی ایران یک تن شهید در تمامی جبهه‌های نبرد داشته است.

روز دهم اسفند ماه تبادل آتش توپخانه و خمپاره‌انداز در اکثر جبهه‌های ایلام بین نیروهای دلاور ما و دشمن وجود داشت و شدت آتش تا ساعت ده و سی دقیقه در جبهه‌های میمک، کانی سخت، نسبت به سایر جبهه‌ها شدیدتر بوده است. در این عملیات، با اجرای آتش بروی مواضع متجاوزان

صدامی، ۵ خودرو و ۷ سنگر دشمن منهدم و بیش از ۱۵ تن از افراد متجاوزان کشته و مجروح شدند. در جبهه‌های سوسنگرد نیز تبادل آتش بین نیروهای خودی و دشمن ادامه داشت و بر اثر آتش نیروهای مدافع انقلاب، چهار سنگر اجتماعی دشمن ویران و تعدادی از افراد دشمن کشته و مجروح شدند. ضمنا سه دستگاه لودر و بولدوزر دشمن در این عملیات منهدم شد. بقیه در صفحه ۴

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

جلسه علنی دیروز مجلس، پریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. نخستین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، عابدین زاده، نماینده مردم خوی، در سخنان خود از جمله گفت: «بنده اعتقاد دارم که آنهایی که در میدان از آزادی حرف می‌زنند، خود از همه بیشتر دیکتاتورند. بنده امروز خطر ملی‌گرایان را برای انقلاب بیشتر از گروههای سیاسی دیگر میدانم.» ناطق همچنین به عدم تکمیل کابینه اشاره کرد و درباره اقدامات مجلس از جمله گفت:

«(مجلس) اگر از راه قانونی وقایعانه برخورد می‌کرد، امروز کابینه هم تکمیل می‌شد و برجسپ‌هایی هم به مجلس زده نمی‌شد.»

وی سپس با اشاره به «مذهبی‌های غیر خط امام» گفت:

«آنها هنوز هم برای آزادی امیر-انتظام خدمت امام هم رفته‌اند. من می‌پرسم از این وارثین گروگانها، در اولین مرحله‌ای که در مجلس مسئله گروگانها مطرح شده، نامه خصوصی در کنگره آمریکا برای چه کسی آمده»

**کسانی که اعتصابها را رهبری میکردند، مشخص کنید**

نماینده مردم خوی، با اشاره به طولانی شدن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران سؤال کرد:

«چرا جنگ اینهمه ادامه پیدامی-کند؟ من از دولت و دادگاه میخواهم که آن کسانی که اعتصابها را رهبری می-کردند برای ملت روشن کنند. اگر رجایی بود بگویند و اگر دفتر هماهنگی رهبری می‌کرد، بگویند و اگر هرکس دیگری

رهبری می‌کرد، بگویند.» وی گفت: «در ارتش برنامه‌ریزی دارند دقیق، افسران کودتاگر را بر سر کارهای مهم می‌گمارند. دلیل این است که معاونین حکومت نظامی تیمسار رحیمی‌معدوم، ملعون، شاغلند. تغییر و تحولها، در ارتش، ایدئولوژیک را کنار می‌زنند. ملت یسار باشد. امت یسار باشد. خدا شاهد است کودتایی در جریان است شمل نباید گرفت. اما کور خوانده‌اند، کودتا نمی‌تواند بکنند، اما فقط بها بیشتر می‌دهیم. کسودتای تدریجی.»

**موانع بند «ج» باید بسرعت مورد رسیدگی قرار گیرد**

دومین ناطق قبل از دستور، حسینعلی رحمانی، نماینده بیجار گروس، ضمن اشاره به همبستگی مردم کردستان با انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران، گفت:

«حکومت قزاق را باید پذیرفت.» وی همچنین از دستاوردهای انقلاب سخن گفت و از جمله به برچیده شدن مراکز فساد و تصرف لانه جاسوسی آمریکا در ایران اشاره کرد و گفت:

«این انقلاب زمینه را برای رشدفکری و استقلال واقعی فراهم کرد. برای تحقق بخشیدن به آرمانهای انقلاب همه باید تلاش کنند.»

ناطق همچنین به مهاجرت روستائیان به شهرها اشاره کرد. او ضمن برشمردن مشکلات ناشی از مهاجرت، برای جلوگیری از آن از جمله گفت:

«موانع اجرای بند «ج» باید به سرعت مورد بررسی قرار گیرد. روستائیان اطمینان یابند که می‌توانند با بهره‌گیری از امکانات کشور زندگی شرافتمندانه خود

## در جلسه علنی دیروز مجلس: از طرح فعالیت احزاب و گروهها انتقاد شد

به آنها که در میدانی از آزادی صحبت میکنند، خود از همه بیشتر دیکتاتورند

کسانی که اعتصابها را رهبری میکردند، مشخص کنید، اگر رجائی بود بگویند و اگر دفتر هماهنگی بود بگویند

را تأمین کنند.» وی سپس از مشکلات حوزه انتخابیه خود و نقش ثرودالها و عواملشان در این منطقه سخن گفت.

سپس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی درباره اظهارات عابدین زاده درباره ارتش توضیحاتی داد و از جمله گفت:

«من آقای عابدین زاده را می‌شناسم و فکر نمیکنم نظرشان به مجموعه ارتش و اکثریت قریب به تمام آن باشد.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی با اشاره به درخواست عده‌ای از نمایندگان از وی مبنی بر پاسخ به اظهارات رئیس-جمهوری در اطلاعیه خود و نیز مطالبی که در کارنامه خود در روزنامه «انقلاب اسلامی» در مورد مجلس داشته است، گفت:

«ما از امام می‌خواهیم که روشن کنند حق مجلس و حق شورای نگهبان را و حق اینکه، که باید قانون بگویند و که آن را با قانون اساسی تطبیق دهند.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن اشاره به سخنان امام خمینی، که صریحا در این مورد اظهار نظر کرده‌اند، توضیح داد که فعلا مصلحت نیست که وی به این مسائل و مطالب پاسخ گوید.

سپس مجلس وارد دستور شد و گزارش «کمیسیون کار و امور اجتماعی» در خصوص اضافه شدن يك تبصره به بند ۲ دلايه تأمین منافع کارگران مشمول قانون سپیم کردن در منافع کارگاههای صنایع و تولیدی» مطرح شد. این لایحه با پیشنهاد یکی از نمایندگان، به علت حساس بودن آن، بمدت ۴ روز مسکوت ماند.

## طرح فعالیت احزاب و گروهها

سپس گزارش «طرح فعالیت احزاب و گروهها» که در «کمیسیون داخلی» مجلس به تصویب رسیده بود، توسط مقرر کمیسیون برای شور اول در مجلس، قرائت شد. عده‌ای از نمایندگان در موافقت و مخالفت طرح سخن گفتند.

دکتر سامی، یکی از مخالفین این طرح، در سخنان خود، ضمن اشاره به تصویب قانون اساسی در مورد تعدد احزاب، در باره ماده‌ای که بر رابطه احزاب و گروهها و سیاست داخلی کشور با گروهها و احزاب کشورهای دیگر مربوط است، آنرا در تعارض با روح اصل ۱۵۴ قانون اساسی دانست.

حجت‌الاسلام مجتهد شبستری مخالف دیگری، در مخالفت با این طرح، ضمن اشاره به امتیازاتی که در این طرح (به شرط گرفتن پروانه) برای احزاب و گروهها در نظر گرفته شده است از جمله گفت: «این خلاف قانون اساسی است. برای اینکه قانون

اساسی در مواد ۳۶ و ۴۷ به صراحه بیان کرده است که همه گروهها، همه حزبها، همه جمعیتها، در تشکیل اجتماعات هم در راه بیندیشند و هم در اعلامیه و نشر و غیره... ذلک آزاد هستند. بیان آزادی آنها را متوقف بر هیچ چیز نکرده. من استناد میکنم به بیانیه شورای عالی قضایی و سیاستگذاری می‌کنم از شورای عالی قضایی.»

وی سپس با اشاره به پیشنهاد شورای عالی قضایی در این مورد گفت:

«به صراحه شورای عالی قضایی تصریح کرده که گرفتن پروانه لازم نیست. فقط مسئله اینست که اگر گروهی یا جمعیتی خواست شخصیت حقوقی داشته باشد، برای آن باید به مقامات صالحه مراجعه کند.»

وی سپس با اشاره به مواد مختلف این طرح آنرا از پای بست، ویران توصیف کرد و مقایسه قانون اساسی و «مضر به انقلاب اسلامی» خواند.

حجت‌الاسلام مجتهد شبستری، ضمن اشاره به اینکه معیارهای آزادیهای غربی بیبوجه مورد توجه نیست گفت:

«سخت معتمد این باید هماهنگ با قانون اساسی باشد، نه بر مبنای اینکه فشارهای سیاسی ما را به تخلف از قانون اساسی وادارد. قانون اساسی خوبیهایی شهادت ماست.»

با پایان یافتن وقت مجلس، ادامه بحث در مورد این طرح به جلسه امروز مجلس موکول شد. همچنین در جلسه امروز، گزارش «کمیسیون بازرگانی» در مورد «طرح ملی کردن تجارت خارجی» مورد بحث و بررسی نمایندگان قرار خواهد گرفت.

## مجلس شورای اسلامی...

بقیه از صفحه ۱

و تدارک شده، در مجلس شورای اسلامی مورد بحث و تصویب قرار گیرد و رسمیت قانونی پیدا کند.

متأسفانه در جلسه دیروز مجلس، نه فقط طرح پیشنهادی شورای عالی قضایی، که یکی از سه ارکان عمده جمهوری اسلامی است، به بحث و بررسی گذاشته نشد، بلکه بجای آن طرح ۲۰ ماده‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت، که گذشته از عدم انطباق آن با شرایط ویژه پس از پیروزی انقلاب (ما در مورد مواد مختلف این طرح بعداً به تفصیل صحبت خواهیم کرد) در تناقض با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین با طرح پیشنهادی شورای عالی قضایی است و لذا بحق نگرانی برانگیز است.

صحبت تنها بر سر نگرانی افکار عمومی از طرح ۲۰ ماده‌ای نیست. صحبت بر سر آن است که برخی مقامات مسئول جمهوری اسلامی نیز نسبت به این طرح نگرانی داشته‌اند، و الا دلیل نداشت که با وجود اطلاع برجستین طرحی در کمیسیون مجلس، شورای

آورده باشد. مواد ۲، ۳، ۴ این طرح، که در آنها در نظر گرفته میشود که احزاب، برای اینکه رسماً شخصیت حقوقی شناخته شوند، باید به ثبت برسند، مسئولان آن به دولت معرفی شوند و از هر نوع فعالیتی که «ناقص استقلال، آزادیهای مشروع دیگران، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی و مصالح کشوری باشد، خودداری کنند» ناظر به حفظ کلیه اصول بیسود انقلاب و جمهوری اسلامی است.

طرحی که از طرف کمیسیون به مجلس ارائه شد و در جلسه دیروز کلیات آن مورد بحث قرار گرفت، ضمن اینکه مزایای طرح پیشنهادی شورای عالی قضایی را دربر ندارد، شخصیت سازمانهای اجتماعی - سیاسی را، که باید مورد احترام باشند، تا حد پنگاه معاملاتاتی پائین می‌آورد. در حالی که طرح شورای عالی قضایی قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصول آنرا شخصیت کننده فعالیت احزاب و جمعیتها می‌شناسد، طرح ارائه شده کمیسیون به مجلس، تعیین تکلیف احزاب و جمعیتها را موکول به صدور پروانه می‌کند، و اختیار صدور این پروانه را هم در اختیار مراجع دست دوم و سوم قرار می‌دهد. علاوه بر طرح، احزاب و جمعیتها را به گروههای برخوردار و محروم از امتیاز تشکیل

## کمیته مالی حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

کامل. س ۵۰۰ ریال هدیه عروسی کتی یکسکه نیم خانم ا. امام ۱۰۰۰ ریال کارگران یک تجاری ۱۰۰۰ ریال فارغ التحصیلان اطریش ۹۰۰۰ ریال زهره از کار خیاطی ۸۲۵۰ ریال ج. ث ۱۰۰۰۰ ریال نوشین. ن ۲۰۴۰ ریال حافظ ۵۶۰ ریال منصور از درکه ۲۹۳۰۰ ریال سازمان حزبی در بلژیک ۲۵۰۰۰ ریال مرده ۳۲۰۰ ریال از کرمان ۲۱۵۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قتی کرمانش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

## مواضع دشمن...

بقیه از صفحه ۱

در جبهه‌های غرب اهواز بر- اثر آتشی توپخانه و سلاحهای سنگین یکانهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران يك کامیون حامل مهمات، يك تانکر، دو خودروی زرهی و يك لودر ارتش متجاوز به آتش کشیده شد و منهدم گردید.

در جبهه‌های آبادان رزمندگان نیروهای مسلح همچنان مواضع متجاوزان صدامی را زیر آتش شدید خود داشتند که بر اثر آتش نیروهای رزمنده ما، سه تانک، دو بولدوزر، دو سنگر تیربار و تعدادی از سنگرهای اجتماعی و انفرادی دشمن منهدم و عده‌ای از افراد دشمن به هلاکت رسیدند و یا مجروح شدند.»

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

گرانی و ناپایب ساختن کالاها را وسیله غارتگری، آنها هم در شرایط جنگ قرار - داده‌اند.

بار سنگین این گرانی و غارت در درجه اول بدوش زحمتکشان گذاشته می‌شود. چنانکه آمار بانک مرکزی تأیید می‌کند، با وجود ترقی قیمتها در همه زمینه‌ها، شاخص دستمزد کارگران ساختمانی، که اصولاً معیار تعیین وضع دستمزد است، تقریباً بدون تغییر بوده است.

بمسراحت و با روشنی تمام باید خاطر نشان ساخت که کمز زحمتکشان زیر بار گرانی در حال شکستن است. دولت اگر نمی‌تواند به دستمزدها و درآمد کارگران، بعلت شرایط خاص جنگ و هزینه‌های ناشی از آن، بیافزاید، امکان پائین آوردن وثابت نگاهداشتن قیمتها را کاملاً در اختیار دارد.

جیره‌بندی و توزیع کالاهای اساسی از طریق فروشگاههای دولتی، تعاونی و خرده‌فروشیها، همچنین اقدام سریع به ملی کردن بازرگانی خارجی و نظارت موثر بر بازرگانی در داخل کشور. خاتمه دادن به اخلاص بازرگانان عمده و محتکران در وضع اقتصادی، حربهای موثر و کارآ علیه گرانی و حتی نیل به کاهش قابل ملاحظه قیمتهاست. این اقدامات لازم و مبرم، قبل از آنکه ضدانقلاب وابسته به امپریالیسم بتواند زمینه‌های ناراضیاتی را تشدید کند، باید انجام گردد. در غیر اینصورت، عواقب خطرناکی برای انقلاب خواهد داشت.

سهمیه‌بندی صورت گرفته، طبق آماربانک مرکزی، در مقایسه با کالاهای دیگر، افزایش متعدلی را نشان می‌دهد.

نتایج حاصله از سهمیه‌بندی فقط چند رقم کالا گواه بر تاثیر جدی این اقدام در ثابت نگه‌داشتن وحی کاهش قیمت مواد خوراکی و سوخت است. این وضع دلیل روشنی است بر اهمیت و ضرورت این اقدام.

ما قبلاً بکرات ضرورت هر چه سریعتر سهمیه‌بندی و توزیع کالاهای اساسی را با کوبن خاطر نشان ساخته‌ایم. اکنون که آمار بانک مرکزی نیز نتایج مثبت این اقدام را تأیید می‌کند، جا دارد که مقامات دولتی انجام این کار فوق‌العاده مهم و ضروری را از امروز به فردا محول نکنند.

باید خاطر نشان ساخت که تنها مواد خوراکی نیست که قیمتهای سرسام‌آور پیدا کرده‌اند. آزادی غارت بازرگانان عمده، محتکران و سودجویان سبب شده است که قیمت پوشاک ۱۹۶ درصد، اثاثیه، کالاها و خدمات مورد استفاده در خانه نیز ۲۷۳ درصد افزایش حاصل کند. جالب اینکه قیمت غذا در خارج از خانه، که نشانه سودجویی بی‌حد و حصر صاحبان رستورانها، مهمانخانهها و غذایزی‌هاست، ۳۵۰ درصد، که رقم سرسام‌آوری است، افزایش پیدا کرده است. افزایش قیمت‌های اخیر نیز نتیجه عدم کنترل قیمتها و سودجویی‌های کلان - سرمایه‌داران است که حربهای احتکار،

## سهمیه‌بندی...

بقیه از صفحه ۱

ارقام بسنده نموده و توضیحی در این باره نمی‌دهد. حال آنکه خود ارقام معروف و گویای این واقعیت است که علل گرانی را بایسد در فقدان نظارت بر قیمتها و سودجویی عمده‌فروشان و محتکران جستجو کرد، زیرا مثلاً در مورد ۳-۲ کالائی که جیره‌بندی شده، قیمتها نه فقط ثابت مانده، بلکه حتی در کاهش عمومی نرخ تورم و گرانی نیز تأثیری جدی داشته است.

بعنوان مثال، درباره تأثیر سهمیه‌بندی قند و شکر، گزارش بانک مرکزی چنین حاکیست که بهای قند و شکر، که در بازار آزاد در سطح بالاتر از نرخهای تعیین شده قرار داشت، در آذرماه بر اثر سهمیه‌بندی و توزیع آن با نرخهای دولتی تا حد قابل ملاحظه‌ای (قند ۱۶۶ درصد و شکر ۷۰ درصد) پائین آمد.

گزارش بانک مرکزی حاکیست که بهای پودرهای لباسشویی ثابت مانده و بهای روغن نباتی، با وجود کمیود شدید این کالا و تا حدودی نارسائی در توزیع آن، معدلاً در مقایسه با سال قبل فقط ۹۰ درصد افزایش نشان می‌دهد.

چنانکه می‌دانیم، قند و شکر، یودر لباسشویی و روغن نباتی سه کالائی هستند که سهمیه‌بندی شده و با کوبن توزیع شده‌اند. سوخت نیز، که توزیع آن از طریق

# سیمینه رودی ها در جبهه فعالند و در پشت جبهه پر تلاش

دهستان سیمینه رود یکی از دهستان های استان همدان است. این دهستان در منطقه ای کوهستانی - جلگه ای قرار دارد. سیمینه رود روستاهایی را در برمی گیرد که برخی از آنها عبارتند:

ردیف	نام روستا	موقعیت روستا	جمعیت	تعداد خانوار	تعداد خوش نشین
۱	کموش بلاغ	در ۳۵ کیلومتری همدان - جلگه ای است	۶۵۰ نفر	۱۱۰	۱۶
۲	پهنه بر	در ۴ کیلومتری همدان - کوهستانی است	۷۶۰ نفر	۱۳۰	۴۰
۳	همه کسی	در ۴ کیلومتری همدان - جلگه ای - کوهستانی است	۴۰۰۰ نفر	۴۲۰	۱۲۰
۴	قشلاق	در ۲ کیلومتری جاده سنندج - همدان - کوهستانی است	۵۰۰ نفر	۱۱۰	۳۰
۵	بابا علی	در ۴ کیلومتری جاده سنندج - همدان و ۳۵ کیلومتری همدان - کوهستانی است	۱۴۰۰ نفر	۲۴۵	۸۰
۶	تاج آباد علیا	در ۴ کیلومتری همدان - کوهستانی است	۵۰۰ نفر	۱۰۰	۲۵
۷	دهنو	در ۱ کیلومتری جاده همدان - سنندج - کوهستانی است	۲۵۰ نفر	۵۲	۱۵
۸	تاج آباد سفلی	در ۷ کیلومتری جاده همدان - کرمانشاه - کوهستانی است	۲۰۰۰ نفر	۲۹۰	۱۴۰
۹	کنده جین	در ۲/۵ کیلومتری جاده همدان - کرمانشاه - جلگه ای - کوهستانی است	۱۰۰۰ نفر	۱۶۰	۲۰
۱۰	اختاچی	تاجاده اصلی ۸ کیلومتر فاصله دارد - جلگه ای - کوهستانی است	۸۰۰ نفر	۱۳۴	۳۰
۱۱	چشم کبود	در ۶ کیلومتری جاده همدان - کرمانشاه - جلگه ای است	۲۲۰ نفر	۳۴	-
۱۲	ارومند	تا جاده اصلی ۱ کیلومتر فاصله دارد - جلگه ای - کوهستانی است	۲۰۰۰ نفر	۲۵۰	۶۰
۱۳	چشم قصابان	در ۱۲ کیلومتری همدان و ۲ کیلومتری جاده اصلی - کوهستانی است	۸۰۰ نفر	۱۱۰	۱۲
۱۴	بهادر بیگ	در ۳ کیلومتری همدان - جلگه ای است	۳۰۰۰ نفر	۵۰۰	۱۵۰
۱۵	کریم آباد	جلگه ای است	۱۰۰ نفر	۱۴۴	۵۶

تاسیس گردیده، لیکن فاقد امکانات و وسایل کافی و پزشکی است. در روستا مدرسه ۵ کلاسه ابتدایی و راهنمایی وجود دارد.

اهالی روستای اختاچی نیز به مناسبت جنگ تحمیلی صدام علیه ایران ۵۰۰۰۰۰ ریال به جنگ زدگان کمک کرده اند. روستاییان زحمتکش روستا، علیرغم مشکلات، هستی خود را در خدمت به مبارزان و نیز آسیب دیدگان از جنگ قرار داده اند، زیرا راهی خود را در بی اثر کردن توطئه های آمریکا و تعمیق انقلاب می دانند.

دهقانان اختاچی نیز با کمبود آب و وسایل تولید کشاورزی روبرو هستند. اهالی اراضی را با گاو شخم می زنند و بدین علت همه ساله مقداری از زمینها کشت نشده باقی میمانند. قناتهای روستا نیز کور شده اند و نیاز به لایروبی دارند. در این روستا حمام دوشی بوسیله جهاد سازندگی ساخته شده، که این امر موجب خوشحالی اهالی گردیده است. در اختاچی مدرسه ابتدایی وجود دارد، لیکن از مدرسه راهنمایی خبری نیست. ۴۰۰ نفر از محصلین راهنمایی سرگردان هستند. راه روستا خراب است و با اولین برف زمستانی بسته میشود.

در چشم کبود نیز اهالی آماده شرکت در بسیج عمومی هستند و عده ای هم بعنوان داوطلب خود را معرفی کرده اند. تاجان خود در انشار انقلاب کنند.

در چشم کبود هم، مانند سایر روستا های سیمینه رود، دهقانان با مشکل فقدان وسایل و امکانات تولید کشاورزی و کمبود آب روبرو هستند. در این روستا تراکتور وجود ندارد. ۳۰ قنات روستا کور شده اند. اهالی از جهاد سازندگی تقاضای لایروبی قناتها را کرده اند، لیکن تا بحال رسیدگی نشده است. حمام روستا بصورت خزینه و قدیمی است. وضع راه روستا خراب است و نیاز به مرمت و شنریزی دارد. در روستای چشم کبود از درمانگاه خبری نیست. در روستای مدرسه ۴ کلاسه وجود دارد.

اهالی روستای ارومند روستای پر تلاش به منظور تقویت جبهه مشغول هستند. در این روستا منقذی خدماتی ۵۶ خود را معرفی و به جبهه اعزام شده اند. همچنین اهالی حدود ۳۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد کمک کرده اند.

بزرگ مالک ارومند حدود ۱۰۰۰ هکتار قلمزار و زمین روستا را غصب کرده بود. یکی از دهقانان در مورد این بزرگ مالک و اراضی غصبی وی می گوید:

"این مالک الان در عراق مشغول خرابکاری است. او یکمتر به ما ظلم کرد و فرار کرد. حالا که بهاری امام انقلاب شده و حق ما به خودمان رسیده، ایادی و نماینده سابق مالک ما را اذیت و حتی تهدید می کنند، ولی اگر ما را هم بکشند نمیتوانند زمینها را بگیرند."

بسی روستاییان از ارومند خود زمینها را گرفته و کشت کرده اند. این زحمتکش امیدوارند که هیئت واگذاری زمین هر چه زودتر کارواگذاری اراضی را بصورت قطعی و قانونی به انجام رساند. میزان آب روستا بسیار کم است و قنات آن، که ۵ رشته هستند، احتیاج به لایروبی دارند. حمام روستا بصورت دوشی است که بخشداری ساخته است. در این روستا درمانگاه و پزشک و دارو وجود ندارد. همچنین دهقانان به تراکتور نیاز دارند تا زمینهای بیشتری را شخم بزنند و بزرگش بپردازند. در این روستای چشمه قصابان. در این روستا اهالی آمادگی خود را جهت شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده و هر خانوار حدود ۳۰۰ تومان کمک نقدی کرده اند. تامین آب یکی از خواسته های مهم اهالی است. خواست دیگر دهقانان چشمه قصابان تدارک وسایل تولید کشاورزی برای آنان است، زیرا در این روستا تراکتور وجود ندارد. حمام دوشی یا خودیاری اهالی و بخشداری ساخته شده است. وضع راه روستا خراب است و احتیاج به ترمیم دارد.

مدرسه ۵ کلاسه وجود دارد. در روستای دهنو نیز اهالی آماده شرکت در بسیج عمومی هستند و بان و پنی به جنگ زدگان کمک کرده اند. روستاییان دهنونیز با بی آبی روبرو هستند. گندم و جو به صورت دیم کشت می شود. در این خصوص یکی از دهقانان می گوید:

"ما حتی آب برای خوردن نداریم. برای آوردن آب باید ۲ کیلومتر پیاده روی کنیم، تا به چشمه برسیم. دولت باید برای ما چاه عمیق بزند، قنات های ما را لایروبی کند و تراکتور در اختیار ما بگذارد، تا هر محصولی که بخواهد، تولید کنیم. اگر این کارها را بکند، تمام زمین های دیم ما تبدیل به آبی می شوند و ما می توانیم بیشتر تولید کنیم تا به آمریکا محتاج نباشیم." حمام روستا به صورت خزینه و قدیمی است. وضع راه روستا بسیار خراب است، به طوری که در اوایل زمستان بسته می شود.

اهالی روستای تاج آباد سفلی. در این روستا روستاییان با تمام وجود به یاری جنگ - زدگان و دلاوران جبهه ها شتافته اند. چنانکه اهالی در بسیج ثبت نام کرده اند و بفر هم به عنوان داوطلب خود را معرفی کرده اند، تا از انقلاب پشتیبانی کنند. همچنین اهالی ۲ تن نان و ۵۰۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ زدگان کمک کرده اند.

اهالی بزرگ مالک در تاج آباد سفلی ۱۲۰ هکتار بود، که در پاییز گذشته توسط هیئت واگذاری زمین واگذار گردیدند. البته واگذاری اراضی فعلا فقط برای امسال بود تا کشت نشده باقی نمانند. دهقانان بی زمین و کم زمین هم زمینها را کشت کردند و خواهان واگذاری قطعی و قانونی آنها هستند. روستاییان زحمتکش تاج آباد سفلی نیز با دو مشکل عمده، یعنی کمبود آب و وسایل تولید کشاورزی روبرو هستند. هر سه قنات روستا احتیاج به لایروبی دارند. یکی از دهقانان در مورد دو مشکل فوق می گوید:

"ما احتیاج به آب و وسایل تولید کشاورزی، تراکتور، یونجه چین و کمپاین داریم. اگر اینها برسد، می توانیم زمین های بایر را زیر کشت ببریم و فرمان امام را اجرا کنیم." بنابراین، با توجه به این که اعتلاء کشاورزی ایران منوط به محو بزرگ مالکی و قراردادن وسایل و امکانات در اختیار روستاییان است، نهادهای مسئول باید این امکانات را در اختیارشان قرار دهند تا روستاییان زحمتکش در تولید بیشتر کوشا باشند.

تاج آباد سفلی مدرسه ۵ کلاسه دارد. حمام دوشی روستا احتیاج به تعمیر دارد. در روستای کنده جین، منقذی خدماتی ۵۶ خود را برای شرکت در جبهه معرفی کرده اند. اهالی ۵۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ زدگان یاری رسانده اند.

اهالی هم چنین به حمام دوشی نیاز دارند. یکی دیگر از خواست های اهالی بازسازی راه روستاست، که مسافت آن ۴ کیلومتر است و بسیاری از کارهای آن انجام شده، ولی لازمست که وزارت راه بودجه آن را تامین کند و در اختیار جهاد قرار دهند تا با همیاری مردم راه مرمت گردد. لازم به ذکر است که جهاد سازندگی مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد برای فرش بافی و فعالیت های غیر کشاورزی در اختیار اهالی قرار داده است.

اهالی تاج آباد علیا نیز فعالانه در بسیج عمومی شرکت جست و قسمت اعظم گذران اندک زندگی خود را در خدمت جنگ زدگان و رزمندگان قرار داده اند، از جمله نان و انگور و ۵۰۰۰۰ ریال وجه نقد کمک کرده اند. در این روستا نیز میزان آب کم است، حتی آب برای آشامیدن هم یافت نمی شود. دهقانان محروم تاج آباد علیا از دولت می خواهند که وسایل تولید کشاورزی را در اختیار آنان قرار دهد، زیرا در این روستا تنها یک تراکتور وجود دارد. ۲ کیلومتر راه روستا تا جاده اصلی نیز خراب است. حمام بصورت خزینه و کثیف است. در این روستا یک

هم چنین روستاییان ۳ خورار نان و ۲۵۰۰۰ ریال پول نقد کمک کرده اند. مردم قریه پهنه بر از جهاد سازندگی نهایت سپاسگزاری را دارند، زیرا برای روستا حمام دوشی ساخته، مدرسه را مرمت کرده و پول هم زده است. آب روستا از رودخانه تامین می شود که چون سد ندارد، تمام آب آن به درمی رود. پهنه بر مزرعه ای به نام سلطان آق دارد، که به علت خشک شدن قنات، زمین های آبی آن در حال تبدیل شدن به دیم هستند. با توجه به حاصلخیزی اراضی مزرعه مذکور، لازمست که هر چه زودتر قنات آن لایروبی شوند و نیز چاه عمیق و نیمه عمیق حفر گردد.

روستاییان زحمتکش روستای همه کسی نیز با شروع تجاوز صدام آماده شرکت در بسیج عمومی شده اند. عده ای از اهالی به عنوان جان فدا خود را به بسیج معرفی کرده اند. منقذی خدماتی ۵۶ نیز خود را معرفی کرده اند. هم چنین اهالی ۴ تن نان و ۲ تن آرد، ۱۲ آراس گوسفند و ۲۳۵۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ زدگان یاری رسانده اند.

میزان آب همه کسی بسیار کم است. در این مورد یکی از دهقانان می گوید: "ما فقط به آب احتیاج داریم. اگر آب برسد، ما می توانیم هر محصولی که دولت بخواهد، به عمل آوریم و آن قدر می کاریم تا دیگر به آمریکا احتیاج نداشته باشیم. قنات ها و کهریزهای ما احتیاج به لایروبی دارند."

در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد. از دیگر نیازهای روستاییان وسایل تولید کشاورزی است. روستاییان زحمتکش از دولت می خواهند که وسایل تولید کشاورزی را در اختیار آنها قرار دهد، تا آنان بتوانند مبارزه با آمریکا را با تولید هر چه بیشتر ادامه دهند. حمام دوشی روستا احتیاج به ترمیم دارد. درمانگاه روستا فاقد پزشک است. در همه کسی مدرسه ۵ کلاسه ابتدایی و نیز راهنمایی وجود دارد.

اهالی روستای قشلاق نیز اهالی آماده شرکت در بسیج عمومی هستند. آنان نان و ۵۰۰۰۰ ریال وجه نقد کمک کرده اند. در این روستا نیز آب بسیار کم است و لازم به تذکر است که هر ۴ قنات روستا کور شده اند و احتیاج به لایروبی دارند.

در روستاهای فوق بسیاری از روستاییان زحمتکش فاقد زمین هستند. آنان چشم انتظارند، تا با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی صاحب زمین شوند. لیکن علیرغم عدم برخورداری از زمین، در جبهه و پشت جبهه شرکت فعال دارند. سیمینه رودی ها در پشت جبهه و از طریق ارسال کمک های نقدی و جنسی به جنگ زدگان و بیچارگان جبهه ها یاری می رسانند. آن ها خود نیز فعالانه با شورا و شتیاق وافر در جبهه ها شرکت می جویند، تا با نثار خون خود نونهال استقلال را به درخت تنومندی بدل کنند.

دهقانان محروم روستاهای سیمینه رود گذشته از مشکل زمین، معضلات دیگری نیز دارند، که حل فوری و سریع آنها از اهمیت خاصی برای روستاییان و در نهایت برای شکوفایی اقتصاد کشور و خنثی کردن توطئه های امپریالیسم آمریکا برخوردار است.

آنچه در زیر می آید، گوشه ای از فعالیت چشم گیر روستاییان در پشت جبهه و نیز مشکلات آنان را نشان می دهد: "کموش بلاغ، روستاییان این روستا، به دنبال جنگ تحمیلی صدام علیه ایران انقلابی، منقذی خدماتی ۵۶ خود را معرفی کرده و به جبهه اعزام داشته اند. روستاییان هم چنین پول و نان و روغن کمک کرده اند.

در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد لیکن روستاییان در اثر سیاست غارتگرانه رژیم گذشته در فقر کامل به سر می برند. مشکل آب و آبیاری یکی از مشکلات روستاییان را تشکیل می دهد و اکثر زمین هایی که می توانند آبی و حاصلخیز باشند، به صورت دیم کشت می شوند. در این مورد ضروریست که جهاد سازندگی هر چه زودتر قنات را لایروبی کند. حمام روستا به صورت دوشی است، که از طرف شرکت تعاونی ساخته شده است. در این روستا درمانگاه و دارو و پزشک وجود ندارد. راه روستا که تا جاده اصلی یک کیلومتر است، نیاز به ترمیم دارد. از دیگر خواست های روستاییان می توان از تامین برق روستا، لوله کشی آب آشامیدنی و وام یاد کرد. قریه پهنه بر. در این روستا نیز ۵ نفر داوطلب اعزام به جبهه شده اند.

# باطرد انحصار ط راه را بسوز و تعمیق کیفی را

است، دوست را از دشمن، آگاهانه تشخیص دهند، تسلیم شانتازها نشوند و بویژه صف خود را از انحصار طلبان و قشربین، از افراطیون ناکاه و کوته‌بین، از ارتجاع ضد-مستضعفین، از روحانی‌نمایان آمریکازده، مجزا و مشخص کنند. اکنون، به حکم منطق انقلاب، صف لیبرال‌ها و خواستاران سازش با دشمن داخلی و خارجی آشکارتر و نقش موربان‌های آنها مشخص‌تر شده است. دزاین شرایط باید، بخاطر علاقه به سرنوشت انقلاب، بخاطر گسترش و تعمیق کیفی آن، تشخیص داد که چه عناصری زیربنای اسلام و انقلاب و خط امام خمینی، انقلاب را آگاهانه یا ناکاهانه تضعیف میکنند، مشکل می‌آفرینند، قانون جمهوری اسلامی ایران را زیر پا می‌نهند، ناراضی می‌تراشند، خود-رائی و خیره‌سری می‌کنند. بخاطر عشق به انقلاب و پیروزی آن باید دید و آگاهانه دید که، در زیر سایه تعلق صنعتی به خط امام خمینی و پیروی ظاهری از آن، بختکی نیز در کار آن است که به جان انقلاب افتد و آنرا خفه کند.

این امام خمینی است که توجه همه مسئولان امور و دست‌اندرکاران را جلب میکند و میگوید که متوجه سوابق افراد باشند و ببینند که این سوابق چگونه است، زیرا ممکن است کسانی ریش هم بگذارند، تسبیح هم بدست بگیرند و جلوی شما نماز هم بخوانند، اما...

در این زمینه نیز، هشدار تر و قاطع تر از هر کسی، رهبر انقلاب اثرات سوء فعالیت آن عده از روحانی-نمایانی را که "خرقه آنها مستوجب آتش است" و عملاً به نام اسلام و انقلاب در کار جمهوری اسلامی ایران و پیشبرد انقلاب اخلال می‌کنند و بهانه‌های دست دشمن می‌دهند، فاش ساخته است. امام خمینی آنها را با عبارات "آخوند درباری"، "آخوند ساواکی" نامیده و همه انقلابیون را از افتادن در دام آنان بر حذر داشتند.

روز عید غدیر امسال، مصادف با ۲۷ آبان ۵۹، امام خمینی گفتند: "برخی از این آخوندهای درباری که ما را نصیحت می‌کنند بیایند و به اسلام برگردید، اینها اسلام را نمیدانند چیست. اینها اسلام را جز خوردن نمیدانند... آخر تو برو به اسلام برگرد، تو بیا بفهم اسلام چیست."

روز ۲۷ آبان امسال، امام خمینی طی سخنانی، هشدار دادند و مرزها را مشخص کردند و گفتند: "وقتی ملا و معمم مهذب نباشد، فسادش از همه کس بیشتر است. در برخی روایات است که در جهنم، اهل جهنم از تعفن برخی از آنها در عذابند."

انقلاب برای آن که نیرومند و پیروز شود، باید حساب خود را از بختکی که فسادش بیشتر است و تعفنش دنیا را که هیچ، جهنم را

پیگیری و با حوصله، در جهت این اتحاد دوران ساز به طور خستگی-ناپذیری می‌روند.

تمام این نیروها در برابر صف "جبهه براندازی" قد علم کرده‌اند. اینک آشکار است که دو جبهه در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. نبرد این دو صف، یک واقعیت بارز و ملموس و روز بروز آشکارتر جامعه ماست. در واقع لایه‌بندی اجتماعی در دوران تعمیق انقلاب و صف‌بندی سیاسی برای تعیین سرنوشت انقلاب باین شکل ویژه، در شرایط مشخص، بیان شده و تبلور می‌یابد.

صف‌آرایی برای تعیین سرنوشت انقلاب و یافتن پاسخ به این پرسش تاریخی که: "بالاخره کدام طرف پیروز خواهد شد؟"، به سرعت انجام میشود.

آیا "جبهه براندازی" با تکیه بر ضدانقلاب و تفرقه‌افکنی، بسر تحریک و عوام‌فریبی، با ساختن خطر موهوم از کونیسم و سوسیالیسم و توده‌ای، یعنی ارباب و شانتاز، از راه قاطی کردن دوست و دشمن و پیاده کردن خط تروژینسکی، خواهد توانست بر مدافعان انقلاب غلبه کند؟ (که به عقیده ما نخواهد توانست)، یا "جبهه پایداری و پیشرفت" با تکیه بر اساسی‌ترین هدفهای انقلاب و حیاتی‌ترین خواسته‌های توده زحمتکش و بسا طرد همه نقاط ضعف و ناراستی‌ها و اشتباهات و انحصار طلبی‌ها و دفع همه دستاویزها و بهانه‌ها، خواهد توانست روح و جان و توان و استعداد کلیه انقلابی‌های بالفعل و بالقوه را بسیج کند و بدینوسیله دشمنان انقلاب را سرکوب کند و موربانان انقلاب را از پیکر انقلاب بزداید و جاده‌های وسیع مردم را، بویژه از بین زحمتکشان و همچنین کلیه نیروهای آگاه انقلابی را در بر می‌گیرد: نخست کارگران، دهقانان زحمتکش، توده ستمدیده شهری و روستائی، پیشه‌وران و کسبه جز، کارمندان و روشنفکران خلقی، همه آن طبقات و اقشار مستضعف و ستمکش که نفی در بازگشت بساط طاغوتی و استثمار و وابستگی ندارند و امید حیاتی خود را به تعمیق انقلاب بسته‌اند؛

دوم نیروهای اصیل اسلامی پیرو خط امام خمینی، که از روحانیت متعهد متمدنی و آگاه گرفته تا گروهها و سازمانها و شخصیت‌های مختلف مذهبی را در بر می‌گیرد. این نیروها با درک راستین و مردم‌گرایانه اسلام واقعی محمد و علی، در بسیج توده مردم و حفاظت از انقلاب نقش درجه اولی را به عهده دارند و نهادهای انقلابی را متابسه سلاحهای موثر و کارائی به منظور دفاع از دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آن، به مشارکت فعال در صحنه نبرد با "جبهه براندازی" کشیده‌اند.

سوم نیروهای اصیل هوادار سوسیالیسم علمی، که تمام نیرو و هم‌خویشی را در خدمت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما قرار داده‌اند و در جهت هشیاری و تشکل توده مردم و در جهت آگاه شدن و موثر شدن ارگانهای انقلابی، در جهت تقویت صف مقاومت و مبارزه، میکوشند و با فداکاری و ایثار و صداقت انقلابی کم‌نظیری، علیرغم همه مشکلات موجود، در دفاع از انقلاب و تعمیق آن به سود توده‌های زحمتکش فعالیت میکنند و بادرگ اهمیت تاریخ ساز اتحاد همه نیروهای خلقی و استقلال طلب

طبقاتی دارند. اینها اسلام و شریعت را بدنام میکنند و با هرگونه تدبیر ترقی‌خواهانه و بنیادی به سود زحمتکشان مخالفند؛

پنجم اقشار ممتاز سابق و آنچه باصطلاح "طاغوتی" خوانده میشود و از جمله برخی از صاحبان مناصب عالی در رژیم گذشته و روشنفکران خود فروخته و خودباخته، که در منجلاب شیوه زندگی آمریکائی و جامعه معروف "مصرفی" غرق شده‌اند و قبله امید خود را در افق انقلاب نمی‌یابند؛

ششم سازمان‌های مختلفی که در جریان تسخیر جاسوسخانه آمریکا ماهیت آنها بر ملا شد وظیفه افشاکگری‌های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام معلوم شده که امپریالیسم آمریکا به آنها چشم امید دوخته است و آنها نیز برای سازش و تسلیم آماده‌اند؛

هفتم انواع تریچه‌های پوک یا گروههای ماغوثیستی-آمریکائی، که زیرنقاب "چپ" عمل می‌کنند، ولی آب به آسیاب راست افراطی میریزند و در واقع ستون پنجم امپریالیسم هستند و جمله پردازی ماغوثیستی آنها تنها پوششی است برای خدمت مستقیم به ضدانقلاب؛

هشتم گمراهان و بازی خوردگان، که به علل مختلفی قادر به دیدن واقعیت امر نیستند و فریب حیلها و اغواگری‌های گروههای مختلف قبلی را خورده‌اند. چه بسا که آنها نخواهند در راه ضدانقلاب گام بردارند و نخواهند در توطئه براندازی شرکت کنند، ولی بعلت گمراهی و بازی خوردگی، بدنبال آنها کشیده میشوند.

"جبهه پایداری و پیشرفت"، اما، توده‌های وسیع مردم را، بویژه از بین زحمتکشان و همچنین کلیه نیروهای آگاه انقلابی را در بر می‌گیرد: نخست کارگران، دهقانان زحمتکش، توده ستمدیده شهری و روستائی، پیشه‌وران و کسبه جز، کارمندان و روشنفکران خلقی، همه آن طبقات و اقشار مستضعف و ستمکش که نفی در بازگشت بساط طاغوتی و استثمار و وابستگی ندارند و امید حیاتی خود را به تعمیق انقلاب بسته‌اند؛

دوم نیروهای اصیل اسلامی پیرو خط امام خمینی، که از روحانیت متعهد متمدنی و آگاه گرفته تا گروهها و سازمانها و شخصیت‌های مختلف مذهبی را در بر می‌گیرد. این نیروها با درک راستین و مردم‌گرایانه اسلام واقعی محمد و علی، در بسیج توده مردم و حفاظت از انقلاب نقش درجه اولی را به عهده دارند و نهادهای انقلابی را متابسه سلاحهای موثر و کارائی به منظور دفاع از دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آن، به مشارکت فعال در صحنه نبرد با "جبهه براندازی" کشیده‌اند.

سوم نیروهای اصیل هوادار سوسیالیسم علمی، که تمام نیرو و هم‌خویشی را در خدمت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما قرار داده‌اند و در جهت هشیاری و تشکل توده مردم و در جهت آگاه شدن و موثر شدن ارگانهای انقلابی، در جهت تقویت صف مقاومت و مبارزه، میکوشند و با فداکاری و ایثار و صداقت انقلابی کم‌نظیری، علیرغم همه مشکلات موجود، در دفاع از انقلاب و تعمیق آن به سود توده‌های زحمتکش فعالیت میکنند و بادرگ اهمیت تاریخ ساز اتحاد همه نیروهای خلقی و استقلال طلب

انقلاب بزرگ ما در یک مرحله تاریخ ساز از تکامل خود، با توطئه آمریکا - لیبرال‌ها و متحدان شان روبروست که می‌خواهند حکومت انقلابی را براندازند و دولتی به قول خودشان "معقول، معتدل و میانه‌رو" را بر سر کار بیاورند، دولتی که از نظر آمریکا "واقعی" باشد و "طرف مذاکره" قرار گیرد! و از نظر سرمایه‌داران غارتگر داخلی و زمین‌داران بزرگ و همه طاغوتیان و واسی‌ماندگان رژیم گذشته "موجه و قابل قبول" باشد!

مگر نه این است که ریگان، رئیس جمهوری آمریکا، طی نطقی در لوس-آنجلس، تردید کرده است که "آیا واقعاً دولتی در ایران وجود دارد؟" و در مصاحبه با هفته‌نامه "نیویا تایمز" استیسی نیوزاندروولد ریپورت گفته است: "برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است که عناصر میانه‌روتری در ایران روی کار آیند!"

### لیبرال‌ها و ماغوثیست‌ها در برابر هواداران خط امام خمینی

انقلاب ما اکنون با موربان لیبرالی دست و پنجه نرم می‌کند و سرنوشت آن بسته به این است که آیا انقلابیون هوادار خط امام خمینی خواهند توانست بر دسایس و توطئه‌های دشمن و همچنین بر نقاط ضعف و ناراستی‌های خود، که بهانه بدست دشمن و لیبرال‌ها و متحدانشان می‌دهد، فائق آیند یا نه؟

در هنگامه این نبرد سرنوشت ساز، خط هارور روز متمایز تر و جبهه‌ها لحظه به لحظه مشخص‌تر می‌شود. هشیاری، روحیه انقلابی، حضور دائمی و مشارکت فعال میلیون‌ها نفر در رویدادهای انقلابی و آبدیدگی و تجربه ناشی از توطئه‌های ضدانقلاب و ناشی از جنگ تحمیلی، این تمایز را سریع تر و نتیجه قطعی هم‌آوردی را حساس‌تر می‌سازد.

تمایز خط‌ها و جبهه‌ها به ویژه، و بیس از پیش، به دور مسئله مرکزی تداوم خط امام خمینی یا انحراف از آن صورت می‌گیرد و اتخاذ موضع، در این باره، به حلقه گرهی درزنجیر تمام مسائل، جبهه‌ها و سنگرها بدل شده است. در این میان، نقش فعال و برابر بخش بزرگی از روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی، که در نبرد علیه رژیم "طاغوت" و علیه "شیطان بزرگ" شکل گرفت، اکنون نیز در مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب وابسته به امپریالیسم، ستون پنجم آمریکا و لیبرال‌ها و سازشکاران، به سود "مستضعفان جامعه" و "وارثین زمین" اهمیت فراوان کسب می‌کند. به همین جهت، هر آن‌چه که به درستی در جهت خط امام خمینی انجام می‌شود، طنین بسیار ررف و اثری جدی در روند تکامل جامعه و در رویارویی همه‌نیرو-های انقلابی در برابر دشمنان انقلاب و سیماندگان از انقلاب باقی می‌گذارد، و باز هم به همین جهت، تمام گردوغبار انحصار طلبی و محافظه‌کاری و قشری‌گری مستقیم بر "امان انقلابیون بیرو خط امام خمینی بی‌سند و به حساب ماهیت و خلقت انقلاب ما نوشته می‌شود.

انقلاب برای آن که پیروز شود و گسترش یابد، از جمله موظف است صف خود را از هر چه به نام انقلاب انجام می‌شود، ولی سرشتی انحصار طلب، قشری و محافظه‌کار دارد، جدا کند، تا پاکیزه و نیرومند شود و هر کوه دستاویز را از دشمن بگیرد.

## صف انقلاب باید پاک و منزه باشد

برای پیروزی در این نبرد، اما، باید صف انقلاب پاک و از عناصر غیرانقلابی منزه و از عوامل مخالف با اهداف انقلاب بری باشد تا نیرومند و شکست‌ناپذیر گردد. به همین خاطر است که ما، همانطور که به برخی از پیروان راستین خط امام خمینی هشدار می‌دهیم که در هیاهوی بازی‌دهنده و فریبنده‌های که لیبرال‌ها بر سر به اصطلاح "آزادی" بپا کرده‌اند خود را نهبازند، وصف خود را از آنها مجزا و مشخص کنند و مرتباً تکرار می‌کنند که: "شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست، که به حق خواستار آزادی‌های دموکراتیک و احترام به قانون اساسی و اصول و موازین خلقی و ضد انحصار طلبی هستند، نباید با لیبرال‌ها در یک صف قرار گیرند"، همانطور هم به برخی دیگر از پیروان راستین خط امام خمینی هشدار می‌دهیم که، در هنگامه نبرد اصولی کنونی بخاطر گسترش و تعمیق کیفی انقلاب، که بر سر دفاع از خط امام خمینی و از جمله دفاع از روحانیت مبارز پیرو خط امام خمینی در گرفته

# سی قشری گری گسترش انقلاب بگشایم

بی جهت به طرف نیروهای دشمن انقلاب می راند... باید از نیروهای روحانیت مبارز بخوایم که بکشند. از اقدامات گروه های افراطی به تمام معنا و به طور جدی جلوگیری کنند. اعمال این گروه های افراطی تیشای میزند که می تواند به ریشم بخورد و می تواند جنبش انقلابی اصیل هودار خط امام را تضعیف کند.

مسئله درست همین جا است که این جنبش اصیل انقلابی از گزند مصون بماند.

## بختکی که باید از آن نجات یافت

اکنون دیگر تشخیص صفی که آشکارا در مقابل گسترش و تعمیق کیفی انقلاب ایستاده، تشخیص موریانه ها، کار زیاد دشواری نیست. با کمی دقت می توان از آن فرد سرمایه داری که برای نظام غارت "آزاد" سینه چاک می کند گرفته، تا آن مائوئیست گستاخ و ماسک داری که تازه مسلمان شده، از آن شخص غرب زده منحط و افسون شده ظاهر تباهی آور شیوه زندگی آمریکایی گرفته تا آن تربیت شده مدارس ویژه وابستگی به آمریکا، از آن "متخصص" پرافادای که علم را در برابر انقلاب قرار می دهد گرفته تا "سیاستمدار"ی که خود را "معتدل و متدول و میانه رو" معرفی می کند - عناصر مختلف صف پرجنجال موریانه ها را تشخیص داد. مردم انقلابی ما، در کوره مصاف، از خویش بلوغ و پختگی فراوان نشان می دهند و دیر یا زود، آسان یا دشوار، ولی به هر حال، این افراد و نیروها را می شناسند. همه آن ها که هودار انقلابند، عزم جزم کرده اند، تا انقلاب را از گزند محفوظ دارند و خط امام خمینی را، در تمام ابعاد ژرف زندگی آفرین ضد امپریالیستی، مردمی، پویا و پیشرونده خود پیروز گردانند.

اما در درون صف انقلاب، برای تشخیص تهذیب از تعفن، تأیید از تنفر، هنوز کاری جدی باید انجام گیرد. بدیگر سخن، اگر دست لیبرال ها، دیگر به طور عمده، روده، در مورد عناصر دیگری که از موضع ارتجاعی یا گمراهی افراطی، ماهیت خط امام خمینی را تحریف می کنند، با انحصارطلبی و قشری گری خود بهانه به دست دشمنان می دهند، مردم را ناراضی و ناامید می کنند، هنوز مطلب به آن اندازه روشن نشده است.

از آنجا که درست همین انحصار طلبان، قشریون، روحانی نمایان و ندانم کاران هستند که با موضع گیری ها و تدابیر و اقدامات ارتجاعی، افراطی و نابخردانه خود دستاویز برای لیبرال ها می تراشند و گزک به دست آن ها می دهند، روشن شدن این جهت از مسئله نیز اهمیت جدی پیدا می کند.

مثلا توجه کنید به مسئله حیاتی

و مهم پاک سازی ادارات و موسسات که پس از انقلاب برای طاغوت زدایی و رفتن وابستگی های گوناگون تاجه اندازه ضروری بود و چگونه به همان علت قشری گری و انحصارطلبی دچار انحرافات جدی شد. از یک سو بسیاری از ساواکی ها، وابستگان به دربار، پس مانده های طاغوت، مخالفان انقلاب و خرابکاران با تخییرظواهر، با تظاهر به مسلمانی، به زور ریش و تسبیح، ماندگار شدند و از سوی دیگر انبوه کثیری از معتقدان به انقلاب و متعهدان نسبت به استقلال کشور و جمهوری اسلامی ایران - که با خون خودنیز تعهد و اعتقاد خویش را امضاء می کنند - تنها به همان علل قشری گری و انحصار جویی اخراج شدند و انقلاب از نیروها و استعداد های انقلابی بسیاری محروم ماند. آموزش و پرورش نمونه فاجعه آمیز آن است. نظایرش رادر همه موسسات می توان یافت.

باتوجه کنید به مسئله مهم نهادهای انقلابی و نقش تاریخ ساز و افتخار آفرین بسیاری از آن ها نظیر سپاه پاسداران و جهاد سازندگی و هیئت های ۷ نفری و نهضت سواد آموزی و کمیته های انقلاب و غیره، که بازهم در بسیاری موارد علیرغم تصریح این که این نهادها وابسته به گروهی یا در انحصار اشخاص نیستند، به جای آن که قابلیت پذیرش همه عناصر مؤمن به انقلاب را پیدا کنند و مرکز تجمع و عمل کلیه انقلابیونی گردند که با تمام وجود خود را وقف انقلاب کرده اند، عناصری مشکوک و افرادی ناپاب نیز تنها به علت تظاهر به "مکتبی" بودن، بقیه دراندن تصنی و سینه به تنور چسباندن فرصت طلبانه، قادر توانستند وارد آن ها شوند. چقدر عملکرد این نهادهای برخاسته از بطن مردم و از جوشش انقلاب می توانست غنی تر و پر بارتر باشد، اگر انحصارطلبی ها و قشری گری ها موانعی ایجاد نمی کرد و عناصر ناپاب و مشکوک به درون آنها نفوذ نمی کردند.

درست است که این نهادها، هر مجموع خود، وظیفه بزرگ پاسداری از انقلاب و مبارزه با توطئه های ضد انقلاب و یا پایه گذاری سازندگی را در این یا آن زمینه به عهده داشته اند و نقش شایان تحسینی نیز ایفا کرده اند. ولی انحصارطلبی ها و قشری گری ها، شرکت فعال و پرثمر بسیاری از عناصر مؤمن به انقلاب و فداکار در راه اهداف آن را در عمل غیرممکن ساخت. انحصارطلبی ها و قشری گری ها در درون این نهادها امکان داد که عناصر وابسته به ضد انقلاب، مشکوک و ناپاب و حتی در مواردی ساواکی ها هم با تظاهر افراطی به مذهب، در آنها راه یابند و به این نهادها، به اعتماد مردم به آنها، به انقلاب، از پشت خنجر زنند. بی جهت نیست که بارها بارها امام خمینی در جهت تصفیه و تزکیه آنها توصیه کرده اند.

امام خمینی در گفتار خود با اعضای "شورای عالی تبلیغات اسلامی"، این نکته مهم را به این صورت یادآوری کرده اند:

"نه این که ما نمی دانیم که الان گرفتاری هایی داریم و اشخاص فاسدی هستند که در همه ارگان ها نفوذ کرده اند، در همه کمیته ها، در همه دادگاه ها، در همه جاهای دیگر نفوذ کرده اند و برای خاطر مشوح کردن این جمهوری کارهای خلاف می کنند" (۱۶ بهمن ۱۳۵۹).

یا توجه کنید به مسائل مهم و

حیاتی - اگرچه روزمره - گرانی و کمبود کالاها و چگونگی برون رفت از بن بست های اقتصادی و دشواری های اجتماعی. عده های کلاش و دزد به معنای واقعی کلمه، که از خسون مردم تغذیه می کنند، به نام بازاری "متدین" گلوی مردم را گرفته اند و می فشارند. آنها با تقرب و نزدیکی به این مقام و آن مرجع، در این و با آن کمیته، زورگویی می کنند و نمی گذارند مردم زحمتکش از برکات انقلابی که متعلق به آنها است، برخوردار شوند. کوشش های مسئولان متعهد و نهادهای انقلابی هم در زمینه حل مشکلات، ثمره دلخواه را نمی دهد، چون بدون استفاده گذاردن برنامه ها و راه حل های عرضه شده، عدم بهره گیری از نیروهای موجود، به علت همین قشری گری، انحصارطلبی و ترس از شانتاز، مانع می شود و، در نتیجه، عده های استثمارگر، حتی بارها پیش از زمان طاغوت، سود به جیب می زنند.

باتوجه کنید به مسئله مهم آزادی های دموکراتیک و حقوقی که قانون اساسی برای افراد کشور و برای احزاب و سازمان ها و گروهها و انجمن های سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته است. عدم احترام به این اصول، که بر همان انحصارطلبی و قشری گری متکی است، موجب شده است که لیبرال ها - این جاده صاف کن های امپریالیسم - میدان دار شوند و خود را "قهرمان" آزادی و "حقوق بشر" جا بزنند. همه می دانند که اگر این نیروهای مخالف انقلاب، کارها را قبضه کنند، بی تردید راه را بر رژیم اختناق و زور خواهند گشود، زیرا جلوگیری از رشد انقلاب و خاموش کردن مردمی انقلابی، جز با توسل به وحشیانه ترین اسلوهها و تروریسم دولتی امکان پذیر نیست. و اینها - بخوانند یا نخواهند - ساجده صاف کن فاشیسم نیز خواهند بود. اما چون انحصار طلبی ها و قشری گری واپس گرایانه چنان عمل کرده است که قوانین جمهوری اسلامی ایران و موازین دموکراتیک خدشه دار می شود و حتی برخلاف نظر و دستور و سخن مقامات مسئول، دفاتر احزاب بسته شده، مقر روزنامه ها اشغال و تخریب شده، کتاب فروشی ها سوزانده شده و چماق دارها به جای پاسداران و دادگاهها عمل می کنند، همین لیبرال ها امکان و دستاویز یافته اند، تا خود را "دمکرات" و "آزادیخواه" قلمداد کنند. اگر واقع امر را بنگرید، عمل انحصارطلبان و زورگویان قشری، برای مخالفان انقلاب و لیبرال ها یک مائده آسمانی و غیر منتظره بود.

چه بسا و بدون تردید در بسیاری از این موارد، گرداننده اصلی این گونه تجاوزات، همان عناصر سازمان یافته ضد انقلاب و ساواکی ها هستند، که در قیافه هوداری از خط امام خمینی و به نام "حزب الهی"، توطئه ها را به راه می اندازند، جنجال می آفرینند، زدو خورد ایجاد می کنند، مردم را ناراضی و بدبین می کنند و آن وقت، بخش دیگری از "جبهه" براندازی" به میدان می آید و دنبال همان اجرای وظیفه را می گیرد: هر آنچه را که روی داده است، به پای جمهوری اسلامی ایران می نویسد، از بدبینی و یاس حاصله همانند زمین باروری سوء استفاده می کند و در آن بذر مخالفت و خصومت با انقلاب را می پاشد.

مثالها را در مورد عواقب سوء و نتایج بسیار منفی قشری گری و انحصارطلبی می توان، متأسفانه، ادامه داد. با این مثالها اهمیت خطری که از درون صف انقلاب را تهدید می کند، روشن می گردد. این خطر را نباید دست کم گرفت و به پیامدهای آن توجه نکرد. اگر بختک قشری گری و انحصار طلبی موفق شود به روی انقلاب افتد - که به عقیده ما به علت هشاری انقلابیون و بیداری مردم نخواهد توانست - موجب خفگی و نابودی آن خواهد شد و راه را برای لیبرال های "معتدل، معتدل و میانه رو"، که این همه آمریکا برایش آمده کشد، باز خواهد کرد. علاقمندان به سرنوشت گسترش و تعمیق انقلاب باید جلو این خطر را بگیرند.

رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، در همان جلسه "پرسش و پاسخ" گفته است:

"مسئله مبارزه با اشتباهات و زیاده روی ها و اجحافات که در نهادهای انقلابی انجام می گیرد، در این لحظه، دارای اهمیت فوق العاده مهم اجتماعی - تاریخی است و می باید آثار خیلی جدی بگیرند و امکان ندهند که نیروهای هودار انقلاب در نتیجه این نوع اشتباهات افراطیون، به سمت مقابل بروند." در واقع هم فعلا تمام امید لیبرال ها به همین رانده شدن نیروها به سمت آنها و میوه چینی از ثمرات اشتباه، زیاده روی، اجحاف و افراط است. درست به همین علت، تیشای که زده می شود، می تواند به ریشه بخورد. درست به همین علت است که باید ریشه را نجات داد و تیشم انحصارطلبی و قشری گری را از دست مظاهرین و انقلابی نمایان گرفت.

## پشتیبانی از خط امام خمینی

بنابراین، سرنوشت انقلاب می طلبد که آشکارا و با شهامت حسابها را روشن کرد. نباید اجازه داد که، عناصری به اسم یا در لباس روحانیت و اسلام، صفها را مخدوش، روشها را معیوب، تصمیمات را مفلوک و مردم را ضعیف سازند. مردم، به درستی، "روحانیت مبارز پیرو خط امام خمینی"، و نقش مهم آن را در روند انقلابی تشخیص داده و بر سینه روحانی نمایان دست رد گذاشته اند. مردم به عمق سخنان امام خمینی درباره "عاط السلاطین، بی برده اند، مردم وقتی فریاد می زنند: "روحانی خط امام - بر تو درود، بر تو سلام"، به حق بر خط امام خمینی، که خط فارق بین روحانی اصیل و طرفدار اسلام راستین با روحانی نمای آمریکائی، طاغوتی، ساواکی، اربابی و لیبرالی است، تکیه می کنند.

این درایت امام خمینی و هشاری خلق پندی است برای همه انقلابیون. همه ما باید ببینیم که، چه در لباس روحانیت و چه به نام جانبداری از انقلاب، عناصر و افرادی عمل میکنند و خود را در صف انقلاب جا می زنند، که بیگانه از انقلابند.

انکار پذیر نیست که عده های واپسگرا که ریزه خوارخوان استثمار و بساط اربابی و سرمایه سالاری هستند، عده های متحجر، که هرگز دوران خود را درک نکرده اند، عده های قشری که به ماهیت و سرشت تعالیم انسانی اسلام راستین هرگز پی نبرده اند و از آنچه تعلیم گرفته اند، هرگز چیزی عمیقاً نیاموخته اند، عده های خود محور - بین و انحصارطلب، که تنها علت

موجودیت خود را فای دیگران - حتی همزمان - و تنها شرط مطرح بودن و در صحنه ماندن خود را، راندن دیگران - حتی همسنگران - میدانند، سعی می کنند که خود را در صف انقلاب وارد کنند.

اما، انحصارطلبان و قشریون افراطی، هر قدر تسبیح طولانی به دست گیرند و ریش انبوه بر چهره نهند، یا در پشت فتاوی و احادیث خود را پنهان کنند، نباید جایی در صف انقلاب داشته باشند و شکل و شمایل خود را بر آن دهند. اینها بختکی برای انقلابند و بالقوه میتوانند آنرا خفه کنند. اگر لیبرالها موریانه انقلاب اند و میخواهند آنرا بیوسانند و از هم فروریزند، از سوی این بختک نیز، و به نحوی دیگر، انقلاب مسخ و از محتوای واقعی خود تهی میشود و به ریشه آن تیشه میخورد. باید حساب این بختک را هم از خط امام خمینی جدا کرد، تا انقلاب سترون نشود، پایگاه عظیم مردمی خویش - مایه حیات خود - را از دست ندهد و همچنان سرزنده و پویا و متکی به سرچشمه لایزال مردم باقی بماند.

با به خزعلیات بلند هرزه دراپانه امپریالیستی و ضد انقلابی درباره "حکومت ملاحا" و "استبداد آخوندی"، که منجمله از رادیوهای غربی و اویسی و بختیار فضا را آلوده میکند، کاری نداریم. ولی برای گسترش و تعمیق کیفی انقلاب اهمیت حیاتی دارد که مردم ایران، در تمام وسعت عظیم خود، درک کنند که، ارتجاع دشمن مردم و ترقی، و متکی به زور و زور و تزویر است، هر چند مردم باید در عمل ببینند که این ارتجاع هیچ ربطی به اسلام راستین و انقلابی ندارد، اسلامی که متکی به مردم و دشمن استکبار است و خط امام خمینی، در عصر ما، مظهر آن و "روحانیت مبارز پیرو خط امام" بیرو آن است.

ارتجاع تنها میتواند این اسلام را بدنام کند و نمایندگانش را در چشم مردم خوار نماید.

انحصارطلبی نیز، هر چند به نام انقلاب بخواد جلوه کند، هیچ ربطی به قاطعیت انقلابی ندارد.

انحصارطلبی، دشمن احترام به عقاید راهگشای انقلابی و آزادی و تشریک مساعی آگاهانه سازندگان ایران انقلابی، دشمن اتحاد همه نیروهای متنوع انقلابی و حکومت مردم مستضعف است.

نمایندگان قشری گری و انحصار طلبی، یا نمودارهای این طرز فکر و عمل، چون به نام انقلاب عمل می کنند، می توانند صفها را مخدوش کنند و حرکات غلط و اقدامات نادرست، غیر قانونی و حتی ضد انقلابی را به پای انقلاب بنویسند در نتیجه آن را بی آبرو و مردم را سرخورده و مایوس گردانند. اثر بسیار منفی انحصارطلبی و واپس گرائی و قشری گری در همین بل گرفتن لیبرالها و سوء استفاده مخالفان انقلاب است.

## انحصار طلبی را قاطعانه طرد کنیم

پس انقلابیون واقعی، همه بیروان خط امام خمینی باید به هوش باشند و در دام اعمال فشارها و شانتازها نیفتند.

نباید از یاد برد که، هر اقدام ناستحیده و هرتصمیم غلط این محافل بقیه در صفحه ۷

سیری در کار و زندگی کارگران چراغساز

«در زمان جنگ توقعی از دولت نداریم»

دولت باید با کمک به تأسیس تعاونی و قرارداد کارگران چراغساز تحت پوشش قانون کار، آنها را در ایجاد یک زندگی بهتر یاری کند.

نداریم

و وقت مردم گرفته نشود، خوب است. وی در مورد علت حمله رژیم صدام به ایران، می گوید: "همانطور که معلوم است، این جنگ از طرف آمریکا است. من بهیچوجه حاضر نیستم کشورم را به دشمن بدهم. اصغر شیشه‌گران، پیر مرد شادابی است که در خیابان آذربایجان، میدان "رشدیه"، چراغساز دارد. وی هفتاد و شش سال سن دارد و می گوید: "از چنگی زیر دست پدرم کار کرده‌ام. حال روزی پنجگانه شصت تومان درآمد دارم. خودم رانمی توانم اداره کنم. ۷ سرقااله دارم. وی در مورد اتحادیه می گوید: "عضو اتحادیه هستم و جواز اتحادیه هم دارم. هر دفعه می روم اتحادیه، از من پول می گیرند. شرکت تعاونی هم نداریم. در مورد کمک به جنگ می گوید: "خیلی کمک ها کردم. پتو دادم، پسته، رادیو و خیلی چیزها دادم. دوتا پسرهایم رفته اند به جبهه. هوشنگ کمالی، ۲۳ ساله، صاحب چراغساز خیابان ایرانمهر، در مورد تغییر وضع خویش بعد از انقلاب گفت: "وضع مانسبت به قبل از انقلاب تغییری نگردانست، ولی من از انقلاب راضی هستم". او در مورد اختلاف کنونی در جامعه گفت: "باعث این اختلافات آنهایی هستند که منافعشان از دست رفته است و می خواهند به هر ترتیب شده، جمهوری اسلامی را زین برین بزنند". وی در مورد گرانی اظهار داشت: "جنس الان کم است. حتی اجناس مربوط به شغل ما، البته دولت تقصیری ندارد. در حقیقت همه اینها زیر سربازاری هاست که با احتکار کردن اجناس، آنها را به چند برابر قیمت حقیقی آن می فروشند". او در مورد کمک به جنگ گفت: "برادرم در جبهه است. من مقداری لباس برای برادرانی که در جبهه جنگ هستند، تهیه کردم و به وسیله برادرم به جبهه فرستادم". نوروزی، صاحب مغازه چراغ-

تعمیرکاران چراغ و سماور زحمتکشانی هستند که از صبح تا شام کار می کنند و علیرغم کارمشل خود، در آمد ناچیزی دارند. در نتیجه تبدیل سماورهای نفتی به سماورهای برقی و همچنین به علت رایج شدن چراغ های گازسوز، صنف چراغساز نیز ناچار است که خود را با این تغییرات در وسایل حرارتی وفق دهد. آن ها علاوه بر تعمیر سماور و چراغ، به تعمیر لوازم خانگی دیگری مانند بخاری، چراغ گازهای کوچک، آبگرمکن و همچنین لیم کارهای های جزئی نیز می پردازند. بعضی از آنها سماورهای برقی نیز تعمیر می کنند. اعضای این صنف از مزایای شغلی محروم هستند. اتحادیه ای دارند که غیرفعال است و فقط به آنها جواز کسب داده است. بیشتر کارگران از کار این اتحادیه بی خبرند. کارگران بیمه نیستند و شرکت تعاونی ندارند. برای آشنایی با مشکلات کارگران چراغساز و خواست هایشان، به چند مغازه چراغساز رفتیم و با آنها به گفتگو نشستیم. "ناصر کمالی"، ۴۳ ساله، صاحب چراغساز "سید"، واقع در خیابان البرز، صحبت می کنیم. وی در مورد وضع زندگی می گوید: "قبلا دکان نداشتم و کنار خیابان بودم. جواز تهیه نکردم، ۲۵ سال است چراغساز هستم. صبح می آم و تا تاریکی شب کار می کنم. روی هم رفته ماهانه حدود ۳ هزار تومان درآمد دارم. من باید خرج ۷ نفر را بدهم". وی در ادامه سخنان خود گفت: "میزان تحصیلات من پنج ابتدایی است. وضع مالی پدرم بد بود و نتوانستم ادامه تحصیل بدهم. من به علت نداشتن جواز، عضو سندیکا نیستم و بیمه هم نشده‌ام. فقره بیمه و بهداشت و دفترچه برای خرید از شرکت های تعاونی ندارم. اگر فقط بخواهم چراغ و سماور درست کنم، زندگی تامین نمی شود. بخاری و آب گرمکن هم درست می کنم. چون سماورها برقی شده و بخاری ها به گازسوز تبدیل شده است. درباره انقلاب می گوید: "هیچ انقلابی در جهان نیست که بی اشکال باشد. انقلاب یعنی دگرگونی، برنامه هابیم می خورد و باید تحمل کنیم. ما گرفتار دشمنان داخلی و خارجی هستیم. بزودی زود برنامه ها درست می شود، من فکرمی کنم بیشتر جراتم در اثر تسامین بودن زندگی بوجود می آید. سرفقت، جنایت و خیانت بیشتر در نتیجه محرومیت اتفاق می افتد. باید برای مردم کار تهیه شود، تا بتوانند زندگی خوسرا تامین کنند و احتیاج به تقلب و دزدی و احتکار در کسب نداشته باشند. اگر اجناس هم درست توزیع شود

ساز نوروزی، که در زیر پله های در خیابان سیلان واقع است، می گوید: "با وام بانکی یک خانه خریدم. ام. یعنی آن زمان که ۲۰ هزار تومان دربانک می گذاشتند و دو بیست هزار تومان می گرفتند، خانه خریدم و ماهانه مبلغ ۴۵۰۰ ریال پول قسط خانه می دهم. عضو سندیکا هستم. از حقوق بیمه و بازنشستگی برخوردار نیستم". او در مورد خواست هایش گفت: "در زمان جنگ هیچ خواستی ندارم. اگر کمکی بخواهند بما بکنند، باید بدهند به جنگ زدگان، مابعد از خاتمه جنگ خواستهایمان را اعلام خواهیم کرد". در ادامه این گفتگو، با قاسم رضانی ۳۶ ساله، که صاحب چراغساز رضانی است، به گفتگو نشستیم. وی درباره وضع زندگی اش گفت: "یک خانه را با برادرم شریکم هر کدام از دو اتاق استفاده می کنیم. برای خریدن خانه از بانک وام صنفی گرفتیم و ماهانه باید مبلغ ۲۳۱۰۰ ریال بابت قسط خانه بپردازیم. الان چند قسط آن عقب افتاده است". او در دنباله سخنانش اظهار داشت: "عضو اتحادیه هستم، ولی سه سال است از آن خبری ندارم. اتحادیه شرکت تعاونی برای خرید ندارد و حتی نفت هم بهمانی دهم". او در مورد خطرات ناشی از کار چراغساز گفت: "این کار خطرات زیادی دارد. دود نفت و دود نشادر ما را اذیت می کند. آتش سوزی هم خطری است که دائماً تهدید می کند. ماهه بیمه هستیم و نه دفترچه درمانی داریم. گاهی برای یک مریضی باید دو بیست سیصد تومان خرج کنیم". در خیابان نظام آباد، با چراغساز دیگری بنام احمد رضانی به گفتگو نشستیم. وی ۳۵ ساله است و در اینکار ده سال سابقه کار دارد. قبلا کارگر مکانیکی بوده است. او گفت:

کردیم. او گفت: "۱۳ سال است که اینجا کار می کنم. روزانه حدود ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار می کنم و تکفل پنج نفر از عهده دار هستم. تقریباً روزی صد تومان درآمد دارم، یعنی از هر صد تومان درآمد مغازه، ۶۰ تومان می گیرم و ۴۰ تومان بقیه متعلق به صاحب مغازه است". او در مورد انتظارات و خواست هایش گفت: "من هیچ انتظاری ندارم، یعنی هیچ زمانی از هیچ کسی انتظار نداشتم جز بازوهای خودم. دلم می خواهد سالم باشم و کار کنم". او می افزاید: "آنهایی که علیه حکومت اسلامی اقدام می کنند، اشخاص خود فروخته های هستند. راه حل این اختلافات هم همبستگی است". کارگران چراغساز، علیرغم فشار زندگی ناشی از کمکی حقوق و گرانی روز-افزون، چشم امید به انقلاب دوخته اند و از آن قاطعانه دفاع می کنند. آنها کار-شان سخت و طاقت فرسا است. در هر لحظه با خطرات جدی، چون ابتلاء به بیماری های ریوی و آتش سوزی مواجه هستند. با این حال بیشتر آنها از حق بیمه محرومند. بدیهی است که مسئولان امر باید با اقدام های اصولی و منطقی سروصورتی به زندگی آنها بدهند. می توان کارگران این صنف را از نظر بیمه های اجتماعی تامین کرد و این کار تنها با همگامی و رایگان کردن خدمات درمانی امکان پذیر خواهد بود. از سوی دیگر، کارگران با کمبود وسایل ضروری کار روبرو هستند. محتکران و تجار بزرگ، کالاها را احتکار کرده اند و عرضه آنها به بازار خود-داری می کنند. دولت می تواند: اولاً: با ملی کردن بازرگانی خارجی، مواد و وسایل ضروری را خود تهیه کند و بوسیله شبکه دولتی و تعاونی در اختیار مصرف کنندگان قرار دهد. ثانیاً: دولت می تواند از طریق پرداخت وام به اتحادیه کارگران چراغساز، تدارک تأسیس یک شرکت تعاونی را ببیند و از این طریق با نازل ترین قیمت وسایل و لوازم گرداختیار کارگران بگذارد. اینها نمونه های از اقداماتی است که در شرایط حاضری می توان انجام داد. ولی با این حال اغلب کارگران بعلت داشتن کار خصوصی، از امکانات رفاهی چون حق اولاد، حق مسکن و بازنشستگی نمی-توانند برخوردار شوند. می توان با ایجاد مجتمع ها و یا کارگاه های دولتی، از تجربیات و خدمات آنها استفاده کرد و از این طریق آنها را زیر پوشش قانون کار قرار داد.

براه انداختن کارخانه های وابسته به معدن ایرانکوه، گامی است در جهت خود کفایی

معدن ایران کوه در جنوب غربی اصفهان، در دامنه سلسله جبال ایران کوه قرار دارد. قبلاً عمده سهام معدن متعلق به محمود رضایی، سرمایه دار بزرگ وابسته بود، که پس از پیروزی انقلاب، به خارج کشور فرار کرد. با پیروزی انقلاب، سهام رضایی ملی اعلام شد و اداره امور معدن در اختیار دولت قرار گرفت. حدود یک سال است که در نتیجه محاصره اقتصادی ایران، از جانب امپریالیست ها، سنگ این معدن به فروش نرفته است. کشت و کار و نوع و میزان گیاهان مورد کشت هر منطقه، مقدار مصرف آب و طریقه شبکه بندی منابع آب و قطعه بندی اراضی را متناسب و دقیق تنظیم و پیاده کند. ایجاد شبکه های از تعاونی ها و سازمان دادن همکاری دهقانان به این منظور کمک خواهد کرد. بطور حتم مجموعه اقدامات فوق بر توان روستائیان زحمتکش سیمینه رود در دفاع از انقلاب بزرگمان می افزاید.

در روستاهای فوق، در مجموع، ۸۵۴ خانوار خوش نشین زندگی میکنند این خانواده ها فاقد زمین هستند و سالیان متمادی فقر و محرومیت را با گوشت و پوست خود حس کرده اند. در نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران باید زمینه های برخورداری از نعمات زندگی برای این خوش نشینان فراهم گردد. در این خصوص لازم است، علاوه بر اجرای قانون اصلاحات ارضی و تثبیت مالکیت دهقانان بی زمین و کم-زمین بر اراضی واگذار شده، تعاونی-های واقعی تولیدی ایجاد گردد و وسایل و امکانات کار کشاورزی در دسترس این دهقانان قرار داده شود، تا سرتاسر اراضی را احیاء کنند. در تلاش بمنظور رهایی این روستائیان از فقر و محرومیت، باید نهادهای مسئول قنوت را لایروبی کنند، جاه عمیق و نیمه عمیق حفر نمایند، تا از این طریق آب مورد لزوم این زمینه نهادهای مذکور میتوانند باید از اطلاعات و تجربه عملی متخصصان مومن به انقلاب، که ما مدگی خدمت به زحمتکشان را دارند، استفاده کنند. در خصوص تامین آب و آبیاری نهاد مسئول پس از خفر چاه و لایروبی قنوت باید موجودی آب هر منطقه و کم و کیف آن را دقیقاً بررسی کند و بیلان صحیح مصرف سالیانه را تعیین و مشخص نماید، راههای جلوگیری از هرز رفتن آب را پیدا کند و بر حسب طرح منظم و اصولی

و در واقع هزینه معدن در حال حاضر بوسیله وام دولتی تامین می شود. معدن دارای دو کارخانه نیمه تمام است که سوختی ها قبل از انقلاب کار ساختن آن را آغاز کرده بودند و با پیروزی انقلاب، ایران را ترک و کارخانه ها را بحال نیمه تمام رها کردند. یکی از کارخانه ها در افزایش تولید معدن تا چند برابر موثر است، و کارخانه دیگر مخصوص خرید کردن سنگ است. امتیاز این کارخانه نسبت به کارخانه های مشابه اینست که، از سنگ خرید شده دارای عیار معدنی پایین آن، می توان در راه سازی استفاده کرد. مقامات مسئول باید برای تمام، با شرکت سازنده وارد مذاکره شوند. در صورتی که آنها مایل به ادامه کار نباشند، باید هر چه زودتر از کارشان ایرانی و یا کارکنان خارجی از کشورهای دوست انقلاب ایران، برای پایان بخشیدن به کار ساختمانی کارخانه ها دعوت به عمل آید. با توجه به اینکه مور معدن توسط وام دولتی اداره می شود، راه اندازی دو کارخانه مزبور می-تواند کمک بزرگی به مرخوب کفایی معدن و سبک کردن کار دولت بکند.

سیمینه رودی ها...

بقیه از صفحه ۳ در یکی دیگر از روستاهای بزرگ سیمینه رود، یعنی بهادریک هم منقضی خدماتی ۵۶ خود را معرفی کرده و به جبهه جنگ با تجاوزگران صدامی اعزام شده اند. یک نفر هم شهید شده است. همچنین اهالی ۱۰۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد و پنیروان کمک کرده اند. در بهادر بیگ، بزرگ مالک روستا ۱۱۵ هکتار زمین آبی داشت، که این زمینها بوسیله هیئت هفت نفری به خوش نشینان واگذار شد. اراضی مذکور بوسیله خوش نشینان بزرگت رفت. در مورد آب یکی از دهقانان می گوید: "اگر برای ما چاه بزنند و آب در اختیارمان بگذارند، تمام محصولات مورد نیازمان را میتوانیم کشت کنیم، ولی حالا مجبوریم فقط دیم بکاریم و چشمانمان به آسمان باشد تا بحال چندین بار هم از اداره آبیاری تقاضای حفر چاه عمیق کرده ایم، ولی ترتیب اثر ندادم". یکی دیگر از دهقانان می گوید: "اگر چاه آب بزنند، می توانیم دامهای خود را نیز نگاهداریم، در حالیکه الان مجبوریم آنها را فوراً بفروشیم". در روستای بهادریک مدرسه ابتدایی و راهنمایی وجود دارد. حمام دومی هم بوسیله جهاد سازندگی ساخته شده است، لیکن با اینکه بهادریک روستای بزرگی است، فاقد درمانگاه است.

## چرا روزنامه جمهوری اسلامی به ادعای خود عمل نمیکنند؟

اما فکر نمیکنیم این درست باشد که حزبی، دسته‌ای، گروهی، برای آنکه خود را بالا بکشد، تا آرمانهای خود را در جامعه عملی سازد، یا سلاح اتهام و تهمت به میدان بیاورد.

این جمله‌ایست که در سرمقاله دیروز روزنامه «جمهوری اسلامی»، زیر عنوان «پاسخی بر ادعاهای به نمایش درمیآید، میخوانیم، از آنجا که ما نیز معتقدیم که نباید حزبی یا دسته‌ای با سلاح اتهام و تهمت بمیدان بپاید، توجه سرمقاله‌نویس ارگان حزب جمهوری اسلامی را جلب میکنیم که: اولاً خود مرتکب همان «تکرار» شده است که، بدترستی، سرمقاله را برای «فهی» آن نوشته. ثانیاً درآم همان «لقاء شبیه» اتاده است که خود، بدترستی، کوره‌راه منتهی شده بدان را نشان داده‌است.

حرف درست را برای عمل کردن و نسیب‌المن قرار دادن میزنند و گرنه سودی از آن عاید جامعه و پیشبرد انقلاب نخواهد شد. و لااقل مردم در صداقت گوینده تردید خواهند کرد. اصولی هم که احترام بدان‌ها را لازم میشمرند، باید دستورالعمل روش و منش همگان و از جمله گوینده قرار گیرد و گرنه از اصولیت آنها چیزی بجای نخواهد ماند و لااقل مردم در اصالت آن شك خواهند کرد.

روزنامه «جمهوری اسلامی» در سرمقاله دیروز خویش، که طی آن با چهار نماینده لیبرالها بحث میکند و منظور آنها را از تشکیل میتینگ روز پنجشنبه گذشته میشکافد، به درک و بیان پایگاه طبقاتی آنها (سختگوی دسته و گروه و طبقه‌ای که در مقابل مستضعفان جامعه قرار دارند) نزدیک میشود و آنچه از همه مهمتر است، عمده‌ترین مسئله را از یاد نمی‌برد و آنها را در مقابل این سؤال قرار میدهد که: آیا دشمن بزرگ ایران آمریکای جنایتکار هست یا خیر؟ ولی متأسفانه در همین سرمقاله، بعنوان «مقدمه» بیان آن اصل درست و این نتیجه درست، تهمتی کهنه را تکرار میکند و مینویسد: «گروهک جاسوسی حزب توده».

این «سلاح اتهام و تهمت» که روزنامه «جمهوری اسلامی» با آن به میدان آمده، زیننده حزبی که در آن گروهی از رزمندگان راستین پیرو خط امام خمینی و مخالفان با سیطره امپریالیسم بر کشورما و معتقدان به حقانیت توده‌های مستضعف گردآمده‌اند، نیست؛ شایسته حزبی که نمیخواهد امید توده‌های مردم انقلابی ما را به یاس مبتدل کند و قصد تضعیف پایگاه خلقی انقلاب را نداشته؛ نیست؛ پیرازنده ارگان مرکزی حزبی که سخن از تقوای سیاسی و اخلاق اسلامی میگوید و باید خود سرمشق آن باشد، نیست. مگر نه اینست که شما سراجاً توسل به اتهام و تهمت را بعنوان سلاح بالاکشیدن خود برای عملی‌ساختن آرمانها طرد می‌کنید؛ اگر مردم و حتی معتقدان به حزب جمهوری اسلامی، این زینندگی و شایستگی و پیرازندگی را در ارگان مطبوعاتی حزب جمهوری اسلامی نهبینند، حق خواهند داشت نسبت به ادعایی که در این ارگان بیان میشد و سخنی که با بهره‌گیری از تمام وسایل ارتباط جمعی گفته میشود، تردید کنند. و این بسود انقلاب مانیستی؛ نه تنها بدان علت که به جمع همه نیروهای انقلابی ضربه میزند، بلکه از آنجا که اعتقاد و تمهد مردم زحمتکش را در دفاع از انقلاب سست میکند.

سست کردن اعتقاد مردم و در نتیجه متزلزل کردن آنها، راههای مختلف دارد که در برخی از آنها لیبرالها سخت استنادند، ولی برخی دیگر از راهها، از جمله زیربنا نهادن اصولی که خود اعلام میکنند و نقض سخنی که خود میگویند و ارتکاب منکری که خود آنها نمیکنند، از آن شیوه‌های تهمتی است که «کاربری» منفی فراوان دارند و احتراز از آنها وظیفه انقلابی و انسانی و اخلاقی همه کسانیست که به اصولیت، صداقت، معنویت و تقوی باور دارند.

حزب توده ایران چهل سال سابقه سیاسی دارد و در کوره آزمایشهای مهیب تاریخی آبدیده شده است. ما نظیر این تهمت و افترای «گروهک جاسوسی» را از دربار شاه ملعون شنیده‌ایم؛ از ساواک پرورده «سیاه شنیده‌ایم؛ از تمام دستگاه تبلیغاتی مأمور استعمار شنیده‌ایم؛ از سرمایه‌داران بزرگ و محترکریسن و واسطه‌های کلان، که خون میلیونها مردم را می‌کشد و می‌کند، شنیده‌ایم؛ از بزرگ‌مالکان غارتگر و فاسد، که شیره جان میلیونها دهقان تهن دست را میدوشیدند و میدوشند، شنیده‌ایم. ولی همه میدانند که حزب ما از راه خود، که راه استقلال ایران و آزادی مردم و رهائی زحمتکشان از یوغ استثمار و شکوفائی

و بهر روزی همه تهیدستان و اغتلا و سر بلندی ایران بوده و هست، دست نکشیده‌ایم. پیداست بسیار کسان هم که سالهای متمادی از دربار وساواک و سیا و دستگاه تبلیغاتی رژیم وابسته و ملعون گذشته همین تهمت‌ها را نسبت به ما شنیده‌اند، تکرار آنها شاید برایشان عادی شده است. به آن‌ها خبر نگران ملکه زهنتان شده است، یا بهتر بگوییم، زنجیری بر دست و پای اندیشه و عملشان شده است، زنجیری که قدرت و شهامت رها کردن خویش را از آن، هنوز، ندارند.

ولی آیا بالاخره باید تفاوتی بین عامل سیا و ساواک و مأمور دربار و نوکر سرمایه‌دار و خان، با انقلابیونی که تحت تاثیر سالها تبلیغات زهر آگین قرار گرفته‌اند، بوجود آید یا نه؟ ما فکر میکنیم که باید بوجود آید و چه بسا که هست، ولی در اکثر موارد آن شهامت مدنی، آن قدرت اخلاقی، آن روشن بینی سیاسی، آن درک عمیق واقعیت انکار نشدنی، هنوز، بدست نیامده - شاید هم هنوز آن تجربه ضرور و مشخص گردآوری نشده - که آن تمایز مسلم و آن تفاوت ماهوی، در این زمینه نیز، امکان بروز یابد و راهکنش تحکیم انقلاب و تعمیق و گسترش آن گردد. ولی بالاخره این خود انقلابیونی که زیر پرچم اسلام به نبرد عظیم و سرنوشت‌ساز برخاسته‌اند، هستند که باید در این جهت گام بردارند.

دو سال از پیروزی انقلاب گذشته است. گیریم که شما از تمامی آن مبارزات حماسه آفرین توده‌ایها علیه امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم انگلستان خبر ندارید، یا فقط اخبار تهریف شده در اختیارتان گذاشته‌اند. گیریم که از نقش فعالیت‌های پیر دامنه حزب توده ایران در سالهای گذشته بی‌خبرید یا اطلاعات مستخ شده را به شما لقا کرده‌اند. گیریم که شما از همه اینها بی‌خبر هستید، آزاده، شریف و زحمتکش، که بهناپه عضو حزب توده ایران، خون پاک خود را، با نهایت سر بلندی و افتخار، نثار راه استقلال و آزادی و ترقی ایران کردند و بدست دژ خیمان دربار و ساواک و فرمان «سیاه» و اینتلجنس سروسی و موساد کشته شدند و «جرم»شان، نه جاسوسی، بلکه فقط علاقه به سرنوشت زحمتکشان و زندگی در میهنی مستقل و آزاد و آباد بود خبر ندارید، و یا این قهرمانان فداکار را نشناخته‌اید. گیریم که شما از همه و هزاران توده‌ای، که جمعا هزاران سال را در شکنجه‌های رژیم شاه ملعون بسر بردند و چه بسا با رهبران شما در یک سلول یا یک زندان بوده‌اند و مردانه پای فشردند و مظهر مقاومت رزمجویانه خلق ما در برابر امپریالیسم رژیم وابسته و فاسد بودند، خبر نداشته‌باشید، یا وقت و تمایل پرس و جو کردن و آموختن را پیدا نکرده‌باشید، گیریم که... گیریم که...

ولی شما دیگر نمیتوانید بر سیاست و نقش حزب توده ایران در همین دوسالی که حزب جمهوری اسلامی را تشکیل داده‌اید و روزنامه «جمهوری اسلامی» را منتشر می‌کنید، چشم‌به‌بندید. نمیتوانید منکر شوید که روش مستمر و سیاست اصولی و انقلابی مادر دفاع از جمهوری اسلامی ایران، در عقیم گذاشتن توطئه‌های براندازی آمریکا، در دفاع از انقلاب و انجام همه کوششهای ممکن برای پیشبرد و تقویت آن، در برابر دیدگان شما نبوده و از آن خبر نداشته‌اید. بنا بر این شما نمیتوانید، اگر انقلابی هستید و خود را صاحب اخلاقیات و اصولیت و تقوی میدانید، حق ندارید صرف نظر از هر گونه تفاوت آیدئولوژی- حزب توده ایران را «گروهک جاسوسی» بنامید. شما در برابر تاریخ، در برابر مردم ایران، در برابر سرنوشت انقلاب، مانده‌ه‌ما، مانده‌ه‌ما افراد این کشور انقلابی مسئولیت دارید. شما نمیتوانید حق ندارید که تنها برای «رفع شبهه» و تبری جستن از انگ «همکاری با توده‌ایها» و نفی این «خبر» مضحک، که در روزنامه نامه «مردم» و «جمهوری اسلامی» یکی خواهد شد (!) و دو حزب یک روزنامه منتشر خواهند کرد (!) تسلیم شانتاز شوید و در آن دامی بیفتید که معلوم میشود با مهارت لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی برس راهتان گسترده‌اند. آن هنگام که قلم سرمقاله‌نویس

چرخید و متورم شد و بصورت چماق درآمد و واژه‌های سراسر تهمت و افترای «گروهک جاسوسی» را بر روی کاغذ آورد، به گودالی در افتاد که «سیاه» ساواک و دربار شاه ملعون و تبلیغات امپریالیستی، سالهاست آنرا کهنه‌اند و اکنون لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی و آمریکائی‌ها و رادیه‌های ضد انقلابی میکوشند با شانتاز و ازعاب، انقلابیون مسلمان متعهد را بسوی آن هل دهند. و اینست درست همان «لقاء شبیه» ای که، بدترستی، در سرمقاله روزنامه «جمهوری اسلامی» بدان اشاره میشود و اصل و نسب آن از لیبرالها و روزنامه «میزان» و روزنامه «انقلاب اسلامی» و «نهضت آزادی ایران» گرفته تا احمد غنصنفیور و روزنامه «رنجبر» و رادیوهای اویسی و بختیار و مائوئیستهای چین و همکارشان آمریکا، زیر عنوان مشهور «لقاء آیدئولوژی» نشان داده میشود. شکفتا که، با هتیار، این شجره‌نامه شانتاز و کوره راه «لقاء شبیه» بیان میشود، ولی درست در همانجا که می‌بایست نتیجه‌گیری منطقی بعمل آید و باشهامت در برابر حمله مرعوب کننده و سیل افترا و برچسب‌زنی استقامت و پایداری نشان داده شود، عملا در دام گسترده می‌افتند و برای رفع انتساب «همکاری با توده‌ایها»، واژه‌های تنگن و ناشایست «گروهک جاسوسی» را در سرمقاله روزنامه «جمهوری اسلامی» جای میدهند، با نوشتن این کلمات، بینه‌بندید که در کدام گودال افتاده‌اید؟ به کدام دام گرفتار آمده‌اید؟ موجبات خوشحالی و شفق چه کسانی را فراهم کرده‌اید؟ نقشه کدام عناصر را عملی کرده‌اید؟ و چه سودی به انقلاب رسانده‌اید؟

همین شب سه‌شنبه گذشته، هنگامیکه صفحات روزنامه «جمهوری اسلامی» زیر چاپ بود، رادیوی بختیار، که خود، بگفته درست سرمقاله‌نویس، یکی از حلقه‌های زنجیر «لقاء شبیه» و شانتاز است گفت: «سرمقاله‌های متعدد روزنامه‌های «میزان»... و همچنین «انقلاب اسلامی»... (البته آن رادیوی ضد انقلاب نگفت که آقای رئیس جمهور، بگفته استاندار اصفهان، قبول مسئولیت درباره این روزنامه نکرده است - نامه «مردم») اگر بگوییم همه، ۹۰ درصد، به بررسی و تحلیل خیانتها و سوءاستفاده‌های آنان (حزب توده ایران) اختصاص دارد. چگونگی ماهیت حزب توده (ایران) و موضوعات خائنه آن از اوضاع آشفته ایران در زهانه‌های مختلف جای تردید نیست».

از رادیو بختیار این گفته عجیب نیست، بلکه کاملاً در منطق اشیاء است. ضد انقلاب باید که با حزب ما چنین برخورد کند و در خاتمه همین گفتار شب سه‌شنبه درباره ماهیت خائن حزب توده، گلسو بدراند و باز برساند و شانتاز کند، اگر غیر از این بود، ما به خود شك میکردیم.

اما انقلابیون دیگر چرا؟ آنها که درست در نقطه مقابل رادیوی بختیار قرار دارند و ماهیت و جا و نقش آنها میشناسند؛ دیگر چرا؟ این نیست مگر نتیجه شانتاز، مگر ثمره «لقاء شبیه» که بصورت کوشش برای رهاندن گریبان خود از اتهام «همکاری با توده‌ایها» و به شکل خشن اتهام و افترا به توده‌ایها درمی‌آید.

دو سال از انقلاب ما گذشته است. تجربه فراوانی گرد آمده است. لابد این مدت نسبتاً طولانی و بسیار طوفانی هنوز کافی نبوده است، تا همه چشم‌ها را باز کند و واقع‌بینی و هتیار را در همه عقول و صداقت و روشن بینی را در همه قلوب بیافریند، ولی بالاخره باید روزی فرا رسد که شهامت مدنی بر فشار شانتاز غلبه کند. باید روزی فرا رسد که صداقت انقلابی، بر اعمال فشار لیبرالی و مائوئیستی، که چیزی جز فشار امپریالیستی نیست، فائق آید.

درست است که جوانه‌های چنین روند تاریخی‌سازی پیدا شده و تجربه مردمی قهرمان، که انقلابی عظیم را - پنجم رساننده و در پاسداری آن جان بر کفایسته‌اند، و درایت شخصیت‌هایی انقلابی، میرود تا پرده‌ی دود تبلیغات امپریالیستی را بدرد و آوار خفه کننده باقی مانده رژیم آریامیری و سوء تفاهات را بکناری زند، ولی هر روز که دیرتر شود، زیانمند است. هر گذشتی که به «افتای شبیه» لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی

شود، به انقلاب و استحکام آن ضربه میزند. هر تسلیمی که در برابر شانتاز عوامل آشکار و پنهان، آگاه یا نا آگاه امپریالیسم صورت گیرد، خطی تازه ایرا متوجه انقلاب خواهد کرد. از این میان، نقشه ریگان جان میکرد و عناصر «معتدل و معقول و میان‌رو»، که می- خواهند حکومت «معقول» و مورد پسند و طرف مذاکره با آمریکا را بر سر کار آورند، به میدان خواهند آمد. آسان میشود نوشت «گروهک جاسوسی» و دشوار میتوان از عواقب آن، که تفرقه نیروها، انحصار طلبی و تضعیف مبانی انقلاب است، احتراز جست. پای تهمت و افترا و اتهام هم، مانند دروغ، پای کوتاهی است و با آن نمیتوان طی طریق کرد، آنهم طریق دشوار و بغرنج نبرد با خطر آرمانهای انقلابی. تاریخ از همه افترا - زنان و تهمت‌سرایان نیرومندتر است و دست آخر ارست که حقانیت را بکرسی خواهد نشاند. مبادا که در آن روز مغبون باشیم و نزد وجدان خود شرمسار.

تجربه‌چیز نیکویی است. بیاد دارید هنگامیکه ما میکتیم گروهکهای افغانی، که به نام «مبارز مسلمان» بر ضد انقلاب آن کشور توطئه میکنند، «آمریکائی» هستند و شخص سید احمد گیلانی را افشا می‌کردیم که وابسته به آمریکاست و خود نماینده مستکبرین فاسد افغانی، منکر شدید. در خراسان کار را به آنجا کشاندند که نماینده قدرت انقلابی، فعالیت بسیاری از آنها را ممنوع اعلام کرد و در همین شماره دیروز، روزنامه «جمهوری اسلامی»، گذرا و در ستون حاشیه‌ای خود، اعتراف کرد که سید احمد گیلانی آمریکائی است و جز تماس با سادات خائن و صبیونیستها و امپریالیسم آمریکا هنری نداشته است. اما بجای آنکه شهامت نشان داده شود و اعتراف شود که ما در ارزیابی خود اشتباه کردیم، برعکس، برای پوشاندن این حقیقت، «حاشیه نویسی» می‌نوید که:

«شاید فردا توده‌ایهای خائن بنویسند نگفتیم افغانیها آمریکائی هستند!»

در شان خود نمیدانیم که با «حاشیه نویسی» هم‌کلام شویم و آنچه را که در نثار این واژه نسبت به حزب پرافتخار، سر بلند و همیشه وفادار مردم زحمتکش وبه میهن گرامی ما ایران نهفته است، بازگو کنیم. ولی شما لااقل نشان دهید که در ورای ادعای اخلاق اسلامی و ادعای نبی از منکر و ادعای تقوای سیاسی و ادعای نفی سلاح تهمت و اتهام واقیعی وجود دارد.

در نبرد انقلابی نه تنها در برابر دشمن، بلکه در برابر اشتباهات خویش نیز باید شهامت داشت. دشوار است، ولی برای یک انقلابی واقعی لازم است. امسال معلوم شد که ارزیابی پارسال شما درباره «مجاهدان» افغانی و سید احمد گیلانی درست نبوده و برائتی این ارزیابی نادرست، سیاستی که برای انقلاب دو کشور و مردم دو کشور مفید باشند، اتخاذ شده است. تاکنون شهامت اعتراف به آن پیدا نشده است، اگرچه تاریخ نیرومند آنرا ثابت کرده است. امسال هم در روز ۱۲ اسفند ۵۹ مینویسید «گروهک جاسوسی» و «توده‌ایهای خائن»، در حالیکه همانروز مدعی میشوید که «فکر نمیکنید درست باشد حزبی، دسته‌ای، گروهی برای آنکه خود را بالا بکشد، یا سلاح اتهام و تهمت پسه میدان بیاورد».

آیا باید باز هم سالی دیگر بگذرد تا تاریخ نیرومند، کندی این سلاح افترا و دروغ و اتهام و تهمت راه، که چهل سال است توسط دشمنان مردم ایران بکار رفته و زنگار خورده، بر شما هم آشکار کند؟ بدانید که بیشتر بسود انقلاب خواهد بود اگر هر چه زودتر شهامت دور کردن چختک شانتاز را پیدا کنید؛ هر چه زودتر شهامت طرد آشکارای برچسب زدن را با زبان انقلاب، نه با کلام بمارت گرفته از دشمن، پیدا کنید؛ هر چه زودتر از افتادن در گودالی که سالهاست «سیاه» ساواک و دستگاه تبلیغاتی شاه ملعون و وابسته کهنه‌اند و از دام لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی، به شیوه‌ای که اصل و نسب بختیاری و آمریکائی و «رنجبری» دارد، احتراز کنید.

تاریخ نیرومند، حقایق را بکرمی میشناسد. بسیاری از ایرانیان انقلابی ضدامم‌سریالیست و ضداستعمار، استقلال طلب و آزادی‌خواه، که راه حزب توده ایران را برگزیده‌اند، یا آنرا نیروی انقلابی میشمرند و یا حزبی در خدمت انقلاب و مردم زحمتکش میدانند، از هم‌اکنون باین حقیقت باور دارند که با گل اتهام و افترا، این حزب اندوده نخواهد شد، اما چه بهتر که ما خود بیاری تاریخ رویم و شهامت آنرا بیابیم که در برابر شانتاز ضدانقلاب، سینه به سینه بایستیم.

### باطر د انحصار طلبی...

بقره از صفحه ۵ و افراد، از آنجا که تظاهر و تقرب و خودنمایی از اصول کار این گروه است، مستقیماً و عملاً بحساب «روحانیت مبارز» پیرو خط امام خمینی نوشته میشود و عواقب سوء نارضایی‌های ناشی از آن، دامنگیر این میشود، آیا این خود راهی برای خراب کردن و بی‌مقدار کردن «روحانیت مبارز پیرو خط امام خمینی»

ایمان راسخ به پیروزی صف انقلابیون پیکر خط امام خمینی را پشتیبانی و تقویت کنند و مطمئن باشند که در صورت اتحاد عمیق نیروهای متکی به مردم و مدافع انقلاب، در صورت هتیار و یقینان در دامهای عدیده دشمن و دشمنان دوست‌نما، لیبرالها، علیرغم تمام هارت و پورت‌شان، روابط داخلی و خارجی‌شان، عشق آمریکا به اعتدال و میان‌روی‌شان و امکانات چند پدی‌شان، هیچ غلطی

ضربه‌پذیر و تضعیف کنند. در نتیجه اینکه آنها ممکنست حسن نیت داشته باشند، مسئله‌ای فرعی است. عمده، سرنوشت انقلاب و گسترش و تعمیق کیفی آن است. عمده نتیجه روایروئی صف انقلاب است با ضدانقلاب. انقلاب وظیفه‌حیاتی و میرم دارد که خود را از شر موریه‌ها و بختک‌ها در امان نگه دارد، و گرنه از هم خواهد پاشید و خفه خواهد شد. بعقیده ما، انقلابیون ایران قادرند این ظنون را برطرف کنند.

در این رویارویی سرنوشت‌ساز، نتایج چنین طرز عملی کاملاً آشکار است. صحبت بر سر حسن نیت یا سوء نیت قشریون و انحصارگران و گروههای تنگ‌نظر افراطی و گمراه‌شدگان خود-محورین نیست. صحبت بر سر نتایج واقعی و عینی کار و شیوه آنهاست. گاه ممکن است که برخی از آنها، در نهایت حسن نیت، عواقب سوئی ببار آورند که مردم را بدین و فداوسی و انقلاب را

هجت الاسلام محمد منتظری:

آمریکا، دشمن درجه اول ماست

هجت الاسلام محمد منتظری، عضو شورای عالی دفاع و نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، طی يك مصاحبه با روزنامه کیهان (۱۲/۲/۵۹) به سئوالاتی راجع به مسائل سیاسی روز، پاسخ گفت.

اینجا هماغه عمل میکنند، در اینکه آن حساسیت ضد امریکائی که مردم ما دارند، اینها منتقل بشود به داخل ایران و يك مسائل انحرافی در داخل ایران مطرح بشود که این کاملاً خطرناک است.

آمریکا در گذشته در مبارزات ایران مطرح بوده، مبارزات اسلامی بسیار ضد - امریکائی بوده و الان هم باید باشد و در گذشته کوششهایی از طرف همان محافل میشد که امریکا فراموش بشود، الان هم متأسفانه دارد کوشش میشود که فراموش بشود و ما نباید اجازه بدهیم. این است که من حالا زیاد جزئیات نام یاد نیست ولی مجموعاً حول و حوش همین مسائل دور میزد. و از امام خواسته بودم که يك فکر جدی تری در برخورد با این مسائل بشود. خلاصه اینکه در نامه ام نوشته بودم از کوششهایی که امریکا برای تضعیف دولت و سقوط آن می کند، جلوگیری بشود. و یا این تلاشهایی که میشود تا ارگان های انقلابی را از بین ببرند یا تضعیف بکنند و یا ارتش ما را سیاسی بکنند و از این سری مسائل (البته این در نامه نیست).

اخیراً شنیده میشود یکسری از افسران خوب دارند تصفیه میشوند و این ضایعه ای است که البته ما در جریان هستیم که برخی از افسران بسیار خوبی که ارتش و فرماندهی ارتش به وجود آنها احتیاج دارد، اینها را از آن مسئولیتهائی که الان در دست دارند، خلع کنند و در يك جاهائی که نتوانند موثر باشند قرار دهیم. بایستی در ارتش اجازه دهیم همه نیروهای متعهد و مؤمنش هر چه سریعتر رشد کنند و فعال شوند.

هجت الاسلام محمد منتظری در مورد موضع جمهوری اسلامی

حزب توده ایران - سازمان کرمان:

آقای حجتی کرمانی واقعیات را در گونه جلوه میدهد

بدنبال مصاحبه مطبوعاتی آقای حجتی کرمانی، نماینده مجلس شورای اسلامی، که در روزنامه «میزان» مورخ ۳۰ بهمن ۵۹ به چاپ رسید و طی آن اعضای



استیضاح نمایندگان پارلمان بریتانیا درباره پشتیبانی تاجر از «نیروهای واکنش سریع»

محافل اجتماعی و مطبوعات بریتانیا تکرانی خود را از تصمیم دولت محافظه کار آن کشور درباره شرکت بریتانیا در تدارکات نظامی واشنگتن در اقیانوس هند و در منطقه خلیج فارس ابراز میدارند. چند روز پیش خانم مارگارت تاجر، نخست وزیر بریتانیا، در جریان دیدار خود از ایالات متحده آمریکا، پشتیبانی دولت خویش را از عملیات «نیروهای واکنش سریع» امریکاییسم آمریکا در این منطقه اعلام کرد. برخی از نمایندگان «حزب کارگر» خواستار شده اند که خانم تاجر در این باره در پارلمان توضیحاتی بدهد.

در پاکستان بیش از ۳۰۰ تن از میمن دوستان بازداشت شدند

روز ۱۱ اسفند، پزشکان، وکیلان مدافع و معلمان پاکستان، در پی فراخوان احزاب مخالف این کشور، برای شرکت در اعتصاب همگانی، دست از کار کشیدند. آنها، در تظاهرات خود، خواستار لغو حکومت نظامی و تفویض زمام حکومت به يك دولت غیر نظامی شدند.

از سوی دیگر، دانشگاههای اسلام آباد، لاهور و راولپندی تعطیل شدند. در روزهای اخیر، رژیم نظامی پاکستان به سرکوبگریهای خود افزوده و به بازداشت بیش از ۳۰۰ تن از مخالفان اقدام ورزیده است.

کسری بودجه در چین

«خبرگزاری فرانسه پرس»، با استناد به آمارهای رسمی پکن، گزارش داد که، کسری بودجه چین در سال گذشته متجاوز از ده میلیارد «یوان» بوده است. روزنامه «یونان» نیز، روزنامه «فایننشال تایمز» خبر داد که چین

ضمن اشاره به هشدارهای مکرر حزب توده ایران درباره فعالیت های ضد انقلاب در کرمان برای به آشوب کشیدن محیط این شهر، از جمله آمده است:

«در روز تشییع جنازه علی فدائی هکسان شاهد بودند که اعضاء و هواداران حزب توده ایران در کرمان تلاش فراوان کردند، تا از تشییع و درگیری جلوگیری کنند و در حد امکانات خود مردم را به آرامش دعوت می کردند. همچنین در هشدارهای که در نامه «مردم» شماره ۴۴۴، صفحه اول، درج شد، تسویه مقامات مسئول به این امر جلب شده بود که عوامل ضد انقلاب در کرمان، از جمله دو نفر از کارمندان برق منطقه ای کرمان، اقدام به نشر و تکثیر اعلامیه هایی سراسر توهین و افترا به رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرده اند.

متأسفانه آقای محمدجواد حجتی کرمانی، نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، در مصاحبه مطبوعاتی خود، که متن آن در «میزان»، ۳۰ بهمن ۱۳۵۹، به چاپ رسید، این روش اصولی اعضاء و هواداران حزب توده ایران در کرمان را نادیده گرفته و توده ایها را به چماق داری متهم کرده است. این نکته نیز قابل توجه است که متن مصاحبه آقای حجتی کرمانی، توسط یکی از عوامل شناخته شده ضد انقلاب کرمان، که از طرفداران سرسخت مدنی است، در کرمان تکثیر شده است.

امیدواریم تکثیر این مصاحبه توسط عوامل ضد انقلاب در کرمان، آقای محمدجواد حجتی کرمانی را متوجه کند که چه کسانی از گفته های ایشان استقبال میکنند.

مزدوران سو مایه داران دفتر حزب توده ایران را در مسجد سلیمان غارت کردند

سرمایه داران و نمایندگان آنها لیرالها - که مدت ها است فریاد «وای آزادی» سر داده اند - در شب گذشته (۱۰ اسفند ۵۹) چند مزدور را شبانه به سراغ دفتر حزب توده ایران در مسجد سلیمان فرستادند. مزدوران ابتدا روزنامه ها، نشریات موجود در دفتر را به حیاط بردند و در آنجا به آتش کشیدند. سپس صندوق دفتر خالی کردند و گریختند. بدنبال این یورش مزدوران سرمایه داران، رفقای ما در مسجد سلیمان به سپاه پاسداران شهربانی شکایت کردند. حزب توده ایران ضمن افسانه این چماق کشی جدید مدافعان آزادی غارت، از ارگانهای انقلابی، بویژه سپاه پاسداران میخواهد که عاملان این عمل ضد انقلابی را دستگیر کنند و به مجازات برسانند.

چهره تابناک انقلاب را شاداب و جذاب کنیم

این يك وظیفه مبرم و مهم است که انقلاب هشیارانه صف خود را آشکار، صاف، بی غل و غش، رها از انحصار طلبی و قشری گری و فارغ از بختک مشخص کند، تا برای نبرد قاطع و پیروزمند با موریانه ها، آماده باشد. انقلابیون مسئول و متعهد بپایند اجازه دهند که زیر نام خط امام خمینی، با تمام طنین انقلابی پرشکوه و بار عاطفی و انسانی پر برکت آن، مستقیم و افراطیون ترک تازی کنند و پیامدهای ناشایست اقدامات انحصار طلبانه و قشری خود را به پای این خط و صف انقلاب بنویسند. چهره تابناک انقلاب ما، آنگاه با تمام تالو خود نورافشانی خواهد کرد و توده های مردم را در سهمگین ترین نبردهای رهایی بخش متشکل خواهد ساخت و به پیش خواهد برد، که از زنگار موریانه ها و تیرگی بختک ها پاک شده باشد. در این موقع که نبرد خط امام خمینی با لیرالها و با همه سازشکاران «معتول، معتدل و میانه روی» باب طبع امریکائی امریکالیستی، به گرهکاه نبرد اجتماعی و به نقطه عطف سرنوشتی انقلاب مبدل شده، نباید امکان داد که عمل و روش محافل و افراد انحصار طلب و قشری گرا، وسیله و پهنه ای برای لیرالها

باطردان حصار طلبی...

بقیماز صفحه ۷ نمیتواند بکنند، همانطور که واپسگرایان نیز، علیرغم تمام ظاهر سازبیا وعوام - فریبی هایشان، راه بجائی نخواهند برد این دیگر هیچ راز جنگی یا رمز نظامی ناشناخته ای نیست که اگر هندستان و یاوران دشمن به لباس دوست در صف ما جا خوش کنند، یا با تکیه به ظواهر، خود را دوست جا بزنند، نه تنها در لحظات حساس میتوانند خرابکاری کنند و سنگرهایی را به دشمن بسپارند، بلکه قادر خواهند بود که در میان دوستداران انقلاب تخم یاس و بدبینی بپاشند و ناامیدی و دل سردی و سرخوردگی را رواج دهند و نظریات و اعمال خود را بنام انقلاب، وسیله بی اعتبار ساختن آن کنند. وقتی صف انقلاب بعلت زیاده روی، انحصار طلبی، قشری گری، کسج روی و اشتباه، ضربه پذیر شده، دشمن بر همین نقاط ضعف حمله ور میشود و درست در همانجائی که قدرت و صحت و صلاحیت و درایت از خود نشان ندادیم، اوتود - ها را آشفته و پریشان و گمراه خواهد ساخت، ضربه را وارد خواهد کرد و توده ها را از دور انقلاب پراکنده خواهد نمود. باید هشیار بود و در این زمینه نیز انقلابی عمل کرد.

Advertisement for 'نامه مردم' (Mardom) newspaper. It includes the title 'نامه مردم' and 'ارگان مرکزی حزب توده ایران'. Below that is a list of subscription prices for various countries: West-Germany (0.80 DM), France (2 Fr.), Austria (8 Sch.), England (20 P.), Belgium (10 Fr.), Italy (350 L.), U.S.A. (40 Cts), and Sweden (1.50 Skr.). At the bottom, it says 'خوانندگان گرامی نامه مردم' and provides contact information for subscriptions in Tehran.